نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۲۱ پنج شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

دکتر جلالی ندوشن؛ عضو انجمن روانپزشکی ایران در مصاحبه با ایسنا:

فرجام خوبی در انتظار جامعه‌ای که صدایش شنیده نشود یا امکان شنیده شدن صدایش گرفته شود، نخواهد بود

نامه انجمن علمی روانپزشکان به وزیر آموزش و پرورش:

با کودکان برخورد قهری نکنید

تولید خشم با حذف طبقه متوسط

دکتر سجاد بهزادی



ابوالقاسم ایرانی؛ و دریایی های شاعر بوشهری

ابراهیم مهدی زاده

هشدار درباره نقض حقوق کودکان

دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک می گوید، اولویت و ترجیح بر این است که پرونده برای کودکانی که در ناآرامی‌های اخیر بازداشت شده‌اند، تشکیل نشود و این کودکان زیر ۱۸سال به دادگاه معرفی نشوند، به‌ویژه اگر این اولین ورودشان به این وضعیت‌ها باشد. فتاح احمدی درباره اظهارات وزیر آموزش‌وپرورش مبنی بر این‌که بازداشت برخی کودکان برای بحث اصلاح و تربیت است تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند، گفت: «در وقایع اخیر، گزارشاتی به مرجع ملی منعکس شده که به قید فوریت در تعامل با مقامات ذی‌صلاح، تذکرات و توصیه‌های لازم مبنی بر ضرورت رعایت و حمایت از حقوق همه کودکان؛ اعم از کودکان معترض و کودکانی که بنا بر احساس مسئولیت در مقابله با معترضان به خیابان آمده‌اند، ارائه شده است. این موضوع از دغدغه‌های مرجع ملی است، چراکه علاوه بر سیاست‌گذاری، وظیفه نظارت بر اجرای وظایف دستگاه‌ها در حوزه کودک را دارد، نسبت به حق و حقوق کودکان و لزوم توجه به آن‌ها در همه وضعیت‌ها ازجمله وضعیت ناآرامی‌های اخیر، هشدارهای لازم را داده‌ایم تا از نقض حقوق کودکان پیشگیری کنیم.»

انتقاد از نمایندگان مجلس

رامین اناری، نماینده کارگران قراردادی و شرکتی سراسر کشور می گوید، اظهارات و موضع گیری‌های نمایندگان مجلس باید مسئولانه و با در نظر گرفتن شرایط دشوار جامعه‌هدف باشد. به گزارش ایلنا، با تصویب طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت در کمیسیون اجتماعی، قرار بر این بود که این طرح به‌دلیل اهمیت و انتظار طولانی جامعه‌هدف، با فوریت به صحن مجلس بیاید و تصویب شود. اکنون نزدیک به سه‌هفته از تصویب در کمیسیون اجتماعی می گذرد، اما به گفته رامین اناری، نماینده کارگران شرکتی و قراردادی سراسر کشور موضع گیری‌های نمایندگان‌مجلس، کارگران را نگران کرده است. بهروزی‌فر، عضو کمیسیون اجتماعی در روزهای اخیر گفته بود که طرح ساماندهی تا نیمه سال ۱۴۰۲ به نتیجه می‌رسد. اناری دراین‌باره می گوید: «هزاران کارگر شرکتی و قراردادی سراسر کشور بیش از دوسال است که در انتظار تصویب این طرح هستند، اکثریت نمایندگان نیز مدعی شده‌اند با طرح موافقند، کمیسیون اجتماعی نیز طرح مصوب کرده؛ چرا یک عضو این کمیسیون باید این گونه موضع گیری کند؟»

نامه‌نگاری ٦ حزب با رئیسی

شش حزب اصلاح‌طلب که نتوانستند موافقت وزارت کشور را برای دریافت مجوز تجمع به‌دست آورند، با ارسال نامه‌ای خطاب به ابراهیم رئیسی، از رئیس دولت سیزدهم کمک خواستند. در بخشی از نامه آمده است: «نظر به تاکید جنابعالی در گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر بر حق برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز، به اطلاع می‌رساند ما جمعی از احزاب اصلاح‌طلب به وزیر محترم کشور اطلاع دادیم که قصد برگزاری یک تجمع آرام را داریم که متاسفانه با وجود گذشت بیش از دو هفته پاسخی به آن داده نشده است. با توجه به مسئولیت جنابعالی در اجرای قانون اساسی مستدعی است دستور فرمایید هماهنگی لازم برای برگزاری این تجمع در زمان و مکان مناسب به‌عمل آید.» ارسال این نامه از سوی احزاب اصلاح‌طلب در حالی صورت گرفته است که جمعه غلامرضا منتظری، نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایسنا گفته بود: «خوشبختانه ظاهراً در جلسات سران تصمیمی گرفته شده که سازوکار جدیدی برای شنیدن اعتراضات فراهم شود.» همچنین محمدصالح جوکار به ایسنا گفته است: «براساس اصل ۲۷قانون اساسی برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌هایی که مخل امنیت نبوده و در آن سلاح حمل نمی‌شود، آزاد است. اما ما تاکنون در این حوزه قانون مشخصی نداشته‌ایم. تاکنون صرفا دستورالعمل‌ها یا ابلاغیه‌هایی برای تعیین سازوکار برگزاری تجمعات تهیه شده است. اکنون طرحی در این زمینه روی میز کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها است.»

باب مشارکت بسته نیست

نعمت‌الله فاضلی، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس با انتشار یادداشتی در واکنش به سکوت برخی از اساتید دانشگاه در وقایع جاری کشور نوشت: «کسانی که درگیر مداوم کار علمی و دانشگاهی می‌شوند روحیه محافظه‌کاری پیدا می کنند. با وجود این، می‌توان مدرس و استاد بود و عافیت‌طلب و فرصت‌طلب هم نبود. باب مشارکت و حضور فعال داشتن و مسئولیت‌پذیری، برای مدرسان بسته نیست. نمی‌دانم و هیچ‌کس هم نمی‌داند دقیقا تکلیف و راهبرد مشارکت هر فرد چیست، اما اگر مدرس دانشگاه تصمیم بگیرد که سهم و نقش سازنده و فعال در جامعه و حتی در اعتراضات ایفا کند، می‌تواند متناسب توانایی‌ها و فرصت‌ها و امکان‌هایش، کاری کند. مهم پذیرفتن و خواستن ایفای نقش و ایفای مسئولیت و خودباوری است.»

روزنامه اطلاعات:

تا مردم، مسئولان را پاکدست و شایسته و مشفق ندانند به آنها اعتماد نمی کنند

روزنامه اطلاعات نوشت:در میان مباحث مختلفی که این روزها همگی به حوادث پس از فوت مرحومه امینی بر می‌گردد و سایر حوزه‌ها را در سایه قرار داده است، رئیس مجلس به نکته‌ای اشاره کرد که اتفاقاً اگر داغی مباحث مهم این روزها وجود نداشت می‌توانست بسیار اساسی تلقی شود.

وی با لحنی که می‌توان آن را اندکی تند هم خواند خطاب به وزیر نفت، بحث اتلاف انرژی در کشور را پیش کشید.

ماجرا از این قرار است که در جلسه علنی روز گذشته، گزارش کمیسیون انرژی درباره ناترازی تولید و مصرف گاز طبیعی در کشور مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن قالیباف گفت: نه تنها در حوزه انرژی بلکه این ناترازی را در بودجه، بانک‌ها و نقدینگی هم داریم که الان با آنها کاری ندارم اما توقع مردم از مجلس و دولت حل و فصل این موضوع است.

اگر جنابعالی و من به عنوان خادمان مردم حرفمان این باشد که ده درصد از صندوق توسعه به ما بدهید یا اینکه ۸۰ میلیارد دلار از جایی پول بدهید تا این ناترازی را درست کنیم، شما فکر می‌کنید که این پول وجود دارد که بخواهید این کار را انجام دهید؟ من و شما و کارکنان و دلسوزان انقلاب و نظام می‌دانیم که ما سالانه بین ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار انرژی‌مان را هدر می‌دهیم، آیا نمی‌خواهیم در این زمینه در کشور تصمیم بگیریم؟ چطور حاضریم دست گدایی به همه جا دراز کنیم و پول بگیریم ولی حاضر نیستیم اصلاح کنیم؟

رئیس مجلس درست می‌گوید. واقعاً در کشوری که اکثریت مردمانشان درآمدی کمتر از حداقل سبد معیشت اعلام شده (۱۸میلیون تومان) عایدی دارند ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار هدر رفت انرژی چیزی درحد فاجعه است؛ زیرا این رقم آنچنان درشت است که هزار گره ناگشوده را وا کند، اما چه میزان و چند درصد از این وضعیت به وزارت نفت بر می‌گردد و چه سهم و بخش آن به نظام تصمیم‌گیری کلان کشور؟ حتی به خود مجلس و دولت؟ برای کاهش این رقم درشت از هدر رفت منابع و سرمایه‌های کشور و اصلاح مصرف انرژی به چه اقداماتی نیاز داریم؟ و مگر غیر از این است که یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن اصلاح نظام قیمتی است؟ و چه عواملی سبب شده که سال‌هاست انجام این اصلاحات ضروری را از واهمه تبعات سیاسی و اجتماعی آن به تأخیر انداخته‌ایم در حالی که منافع ملی و مصلحت جامعه و حتی ایجاد بسترهای توسعه و رفاه بستگی تام و تمام به آن دارد؟

وقتی از ضرورت ارتقای اعتماد و سرمایه اجتماعی صحبت می‌شود دقیقاً به همین خاطر است که بتوان با پشتوانه این اعتماد و گپ و گفت منطقی با جامعه و جلب رضایت و مشارکت آنان و ایجاد یک مفاهمه منطقی و درست، امکان انجام اصلاحات ساختاری در هر زمینه‌ای را فراهم آورد.

بدون ایجاد بسترهای جلب مشارکت و اعتماد و بدون اتکا به سرمایه اجتماعی هر روز بیش از گذشته انجام آن سخت‌تر و دشوارتر می‌شود.

چه بپذیریم و چه نابخردانه، درصدد انکار برآییم این اعتماد آسیب دیده و این شکاف و شقاق ایجاد شده و تا زمانی که درصدد ترمیم آن بر نیاییم و تا زمانی که مردم به ما و کارگزارانمان اعتماد نکنند و آنان را افرادی شایسته و پاکدست و صادق و مهم‌تر از آن دوست و رفیق همدرد و مهربان و مشفق ندانند و نتوانند به راحتی حرف‌ها، انتقادها و درد دل‌ها و اعتراضات و گلایه‌های خود را در بستری امن و مطمئن و سالم بیان کنند، نظام حکمرانی کشور فاقد ظرفیت و امکان مناسب برای انجام اصلاحات ساختاری و حمایت بدنه اجتماعی در عبور از بحران‌های مختلف خواهد بود و آسیب‌شناسی درست این موضوع و واکاوی علل ایجابی آن و تمهید اقدامات و ابتکاراتی برای رفع این شکاف و بی‌اعتمادی در شرایط امروز، بسیار ضروری است و لازمه آن به میدان آوردن تمامی ظرفیت نخبگانی و کارشناسی و دانشگاهی این کشور و گوش جان سپردن به توصیه‌ها و راهکارهای مشفقانه آنها و نه فقط تکیه کردن به ظرفیت محدود اندیشه‌ای نظام تصمیم‌گیری است.

مدیرکل بازرسی استان بوشهر:

فروش ۸۵۰ خودرو وارداتی توقیفی در گمرک بوشهر

مدیرکل بازرسی استان بوشهر گفت: از ۸۶۰ خودرو وارداتی توقیفی در گمرک بوشهر تاکنون ۸۵۰ خودرو به ارزش ۲هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از طریق مزایده به فروش رسید و این شمار، طی ۱۰ تا ۱۵ روز آینده ترخیص می‌شود.

اسحاق شهبازی در گفت و گو با ایرنا به مناسبت سالروز تاسیس سازمان بازرسی کل کشور افزود:تعیین تکلیف خودروهای وارداتی با هدف ساماندهی انبارهای اموال تملیکی در نفر از این افراد نیز محکومیت آنها از سوی مراجع مربوطه صادر شده است.

تجدید نظر ۱۳ مناقصه به ارزش ۷۸۰ میلیارد تومان

بازرس کل استان بوشهر اضافه کرد: در راستای پیشگیری از برخی تخلفات، حضور بازرسی در مراجع و کمیسیون‌های تصمیم گیر و تصمیم ساز و رصد فضای عمومی اداری نشان می‌دهد برخی تخلفات در کمیسیون‌ها و مناقصات



سفر استانی رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه از جمله مواردی بود که با مزایده این خودروها بخشی از دغدغه استان برطرف شد.

وی یادآوردشد: تعیین تکلیف این خودروها که چندین سال در فضای روباز و در شرجی، گرما و رطوبت نگهداری می شدند تصمیمی اساسی بود که با همت دولت و دستگاه قضا به سرانجام رسید.

شهبازی اعلام کرد: بیش از هزار خودرو به این صورت در کشور وجود داشت که حدود ۹۰ درصد از آنها معادل ۸۶۰ خودرو مربوط به استان بوشهر بود که به مزایده گذاشته شدند.

بازرس کل استان بوشهر افزود:چنان چه رای پرونده به نفع صاحبان آن خودروها صادر شود مصوب شده بلافاصله وجه حاصل از این مزایده عینا به صاحبان آن خودروها بازگشت داده می‌شود و چنانچه رای قطعی قاچاق صادر شود به نفع دولت مصادره و پول به حساب دولت واریز می‌شود.

وی یادآور شد: افزون بر این همچنین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تن کالای معدومی در انبارهای اموال تملیکی امحاء و به این صورت فضای زیادی از انبارهای اموال تملیکی استان بوشهر آزاد شد.

مدیرکل بازرسی استان بوشهر گفت: برگزاری مستمر کارگروه‌های اقتصاد مقاومتی و تسهیل و رفع موانع تولید از تعطیلی ۱۱ واحد تولیدی در این استان جلوگیری کرده است.

شهبازی افزود: با پیگیری این سازمان و همکاری مجموعه بانکی تسهیلات مورد نیاز بیش از ۳۰ واحد تولیدی تامین شده و با بانک‌ها نیز تفاهم شد تا هیچ واحد تولیدی در استان به دلیل بدهی بانکی تعطیل نشود و همچنین واحدهای در تملک بانک‌ها نیز به نحوی واگذار شوند تا شاهد توقف تولید هیچ واحدی نباشیم.

وی یادآورشد: در نیمه نخست امسال ۳۴ پرونده در حوزه مراجع قضایی و کیفری این استان تشکیل و ۱۱۰ پرونده نیز منتج به صدور کیفر خواست و یا درخواست تجدید نظر شده است.

شهبازی گفت: در این مدت ۲۱۰ نفر به مراجع رسیدگی به تخلفات اداری معرفی شدند و ۱۲۴ عامدانه و بخشی نیز به دلیل اشراف نداشتن کامل به قانون است.

وی اعلام کرد: در همین ارتباط در نیمه نخست امسال نیروهای بازرسی در کمیسیون بیش از یکصد مناقصه شرکت کردند، که ۱۳ مورد به ارزش ۷۸۰ میلیارد تومان برای تجدید مناقصات پیشنهاد شد.

شهبازی برخورد با زمین‌خواری را مورد اشاره قرار داد و تصریح کرد: در یکسال گذشته ۴۲۶ هکتار اراضی متصرف شده به ارزش یک هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان رفع تصرف و به بیت‌المال برگشت داده شد.

وی گفت: در بررسی از یک قرارداد شرکت نفتی متوجه تنظیم الحاقیه ای برای این قرارداد شدیم که فاقد جایگاه قانونی بود و با پیگیری های انجام شده این الحاقیه ابطال شد و با این اقدام از پرداخت ۲۰۰ میلیارد تومان به پیمانکار جلوگیری شد و همچنین ۷۰ میلیارد تومان که پیشتر پرداخت شده بود نیز شرکت مکلف به بازپس گیری آن با شکایت قانونی شد.

شهبازی ادامه داد: همچنین در طی این بررسی مشخص شد که مدیر وقت این شرکت که در مقطعی معاون وزیر هم بوده است و این الحاقیه را تنظیم کرده که علیه او هم اعلام جرم شد و ۲ هفته پیش رای قطعی محکومیت مالی او در دادگاه تجدید نظر بوشهر صادر شد.

شهبازی با اشاره به تخلف در یکی از شرکت‌های نفتی استان بوشهر گفت: در یکی از شرکت‌های نفتی مستقر در این استان با صدور رای دادگاه بدوی به سبب برداشت غیرمجاز، به حبس و برگشت یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان محکوم شده است.

شهبازی با تاکید بر این که انجام فعل بازرسی کاری پیچیده و بستگی به فرهنگ جامعه دارد گفت: هدف ما از بازرسی مچ گیری نیست بلکه این است که به عنوان مشاور و همراه در کنار دستگاه‌های اجرایی باشیم.

شهبازی گفت: به کمک اصحاب رسانه و همه افراد دغدغه مند نیاز داریم تا با بیان مسائل، مشکلات و برخی کاستی ها به مجموعه بازرسی بتوانیم با ورود به موقع اصل پیشگیری و کم کردن خسارت ها را رعایت کنیم.

روزنامه جمهوری اسلامی:

۴۳ سال کار فرهنگی کرده ایم؛ جز اتلاف وقت و سرمایه چه چیزی به دست آورده ایم؟

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: بازسازی فرهنگی باید به اهلش سپرده شود. محور این کار باید کسی باشد که عمر خود را در کار فرهنگی سپری کرده و همگان او را یک صاحبنظر فرهنگی تمام‌عیار بدانند. در قرارگاه فرهنگی هم باید کسانی حضور داشته باشند که نگاهی مستقل، آزاد و همه‌جانبه به فرهنگ داشته باشند.

در اولین گام و حتی به عنوان پیش‌نیاز بازسازی فرهنگی باید فرهنگ موجود آسیب شناسی شود. آسیب شناسی یعنی پاسخ دادن به چند سؤال مهم.

یک سؤال اینست که چرا بعد از ۴۳ سال کار فرهنگی آنهم در جامعه‌ای با برخورداری از انقلاب اسلامی، که به قول شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی یک انقلاب فرهنگی بود، اکنون ما اعتراف می‌کنیم به بازسازی فرهنگی نیاز داریم؟ با چهار دهه کار فرهنگی پشتیبانی شده توسط نظام اسلامی با تمام امکاناتی که دارد، انتظار این بود که هم‌اکنون از یک فرهنگ متعالی بی‌نیاز از بازسازی برخوردار باشیم. اینکه به این جایگاه نرسیده‌ایم و حتی ناچار هستیم در آن چه داریم نیز بازنگری کنیم، طبعاً به این معناست که در چهار دهه گذشته موفق نبوده‌ایم. باید بررسی شود که چرا موفق نبوده‌ایم.

سؤال دیگر اینست که اینهمه امکانات، بودجه و نیرو که برای کار فرهنگی در ۴۳ سال گذشته صرف شده، چرا بازدهی لازم را نداشته؟ آیا دلیل این عدم بازدهی بی‌برنامگی بود؟ آیا نیروهای مناسبی برای این کار نداشتیم و یا به جای نیروهای کارآمد و مناسب فرهنگ شناس، افرادی را به کار گماردیم که اهلیت لازم را برای کار فرهنگی نداشتند؟ وجود دستگاه‌های موازی فرهنگی و این که آیا همین موازی کاری عامل مهمی برای درجا زدن در عرصه فرهنگی نبوده؟

ما می‌توانستیم به جای تعدد دستگاه‌های فرهنگی که هرکدام مبالغ زیادی بودجه و امکانات صرف می‌کنند، یک یا حداکثر دو دستگاه فرهنگی با وظایف متفاوت داشته باشیم و آنها را به انجام کارهای بزرگ بر اساس شرح وظایف مشخص موظف کنیم. این روش، ضمن این که با صرفه‌جوئی قابل توجهی در بودجه و امکانات و نیرو همراه بود، می‌توانست بازدهی قابل قبولی هم داشته باشد. مهم‌تر آن که این نوع کار فرهنگی نه‌تنها دچار عقبگرد نمی‌شود و نیازی به بازسازی پیدا نمی‌کند بلکه همواره در حال پیشرفت است و جامعه را به رشد و تعالی فرهنگی بی‌نظیری می‌رساند.

و آخرین سؤال اینست که آیا فاصله گرفتن از آزاداندیشی فرهنگی و چسبیدن به مناسک ظاهری که در سال‌های اخیر رونق فراوانی یافته، یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش رسوب‌های فرهنگی نیست؟ بدون مجامله باید اعتراف کنیم که با این روش‌ها میان نسل جدید و اسلام ناب فاصله انداخته‌ایم و تا این آسیب‌ها را جبران نکنیم و در قرارگاه فرهنگی موجود تجدید نظر اساسی به عمل نیاید، به بازسازی فرهنگی موفق نخواهیم شد.

هزینه زندگی در ترکیه کمتر از ایران است

به بهانه افزایش نرخ تورم جلوی افزایش مزد کارگران را می‌گیرند!

احسان سلطانی: طی چند ماه اخیر در ترکیه دو مرتبه، یکبار ۵۰ درصد و یکبار دیگر حدود ۴۰ درصد، دستمزدها افزایش پیدا کرده است.

چرا این اقدامات را انجام می‌دهند؟ برای این که مردم زیر بار افزایش قیمت‌ها و افزایش نرخ تورم له نشوند و این که قدرت خرید مردم باید حفظ شود تا اقتصاد دچار رکود نشود و بچرخد./ایلنا

نقش رسانه‌های داخلی در اعتراضات: نظاره‌گر و نه راوی

عصرایران؛ مصطفی داننده: بدون اغراق می‌شود گفت که به جز چند روزنامه مستقل و خصوصا روزنامه هم میهن، رسانه‌های رسمی ایران در اطلاع رسانی از اعتراضات اخیر کشور، هیچ نقشی ندارند. رسانه در بسیاری از کشورهای دنیا، وظیفه اطلاع رسانی را به عهده دارد اما در ایران به نظر می‌رسد در مواقع خاص که اتفاقا احتیاج به خبررسانی درست وجود دارد، رسانه نقش خود را از دست می‌دهد و بیشتر نظاره‌گر اتفاقات است تا راوی آن.

در ۲۰ روز گذشته در مسابقه خبررسانی در مورد اعتراضات اخیر ایران، رسانه‌های مجازی و نوشتاری مانند رسانه‌های دهه شصت عمل کردند.

در آن زمان معمولا مردم به واسطه روزنامه‌هایی مثل کیهان و اطلاعات، دو یا سه روز بعد متوجه بعضی از اخبار مهم در کشور می‌شدند اما حالا به لطف شبکه‌های اجتماعی حتی با وجود فیلترینگ گسترده، مردم چندین قدم از رسانه‌های رسمی جلوتر هستند. اصلا برای کسب اخبار دیگر به سایت‌ها و خبرگزاری‌ها رجوع نمی‌کنند و یک راست می‌روند سراغ اصل مطلب.

سوال این است که چرا به رسانه‌ها اجازه داده نمی‌شود در مواقع خاص وظیفه اصلی خود را انجام دهند؟ و چرا مطبوعات در ایران در عصر بحران، بی‌اثر و بی‌خاصیت هستند.

آتش‌نشان‌ها آموزش می‌بینند در زمانی که ساختمان‌ها دچار آتش‌سوزی می‌شوند، حریق را کنترل کنند. رفتاری که امروز با رسانه‌ها می‌شود مثل این است که در هنگام آتش سوزی به آتش نشان‌ها اجازه نداد وارد میدان شوند. اگر خبرنگارها اجازه داشتند با لباس مشخص از هر طیف سیاسی که در ایران رسانه دارد در اجتماعات حضور پیدا کنند، قطعا روایت‌هایی که امروز از اعتراضات در ایران شنیده می‌شد، بسیار واقعی و روشن بود.

وقتی دست و پای خبرنگارها بسته می‌شود و آنها نمی‌توانند راوی وضع موجود باشند، باید هم شبکه‌های لندن نشین، کار را به دست بگیرند و تبدیل به مرجع خبری مردم شوند.

در این میان صداوسیما هم مرجعیت خبری خود را در بین بخش گسترده ای از مردم از دست داده است و آنها دیگر روایت‌های خبری تلویزیون را باور نمی‌کنند.

ناگفته نماند که برای بخشی از مردم همچنان اخبار ساعت ۲۱ شبکه اول سیما همچنان مهم‌ترین منبع خبری است.

همان طور که در سیل و زلزله شاهد حضور پررنگ خبرنگارها برای پوشش درست اخبار و کمک به مدیریت حوادث طبیعی هستیم، باید در اعتراضات هم شاهد این حضور باشیم.

این روزها بسیاری از اهالی رسانه به جای این که فکر پوشش اخبار باشند بیشتر به دنبال پیدا کردن راهی برای وصل شدن اینترنت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی هستند تا احتمالا آنها هم از جریان خبر در ایران عقب نمانند.

اگر روند به همین گونه ادامه پیدا کند، رسانه‌ها در ایران بیشتر از بیش اعتبار و مرجعیت خود را در بین مردم از دست می‌دهند و با توجه به سانسوری که در صداوسیما وجود دارد و فقط صدای جریانی خاص شنیده می‌شود، باید منتظر مرجعیت خبری شبکه‌هایی مثل ایران اینترنشنال و بی بی سی باشیم.

تولید خشم با حذف طبقه متوسط

دکتر سجاد بهزادی



بارها و بارها در مورد طبقه متوسط و نقش این طبقه در توسعه و آرامش جامعه نوشتیم. همین طور هشدار دادیم که اگر کارآمدی و تقویت این طبقه در سیاست ساختاری دولت ها مورد توجه قرار نگیرد، در نهایت همه آسیب خواهیم دید.حالا طبقه متوسط که چونان آتش زیر خاکستر بود و موجودیت خود را در خطر می دانست دوباره خود را به کف خیابان رسانده است و "بازگشت طبقه متوسط از دانشگاه تا خیابان" تیتر گزارشی از روزنامه "هم میهن" است که به تازگی پیرامون جریان‌شناسی اعتراضات روزهای اخیر در پی مرگ مهسا امینی منتشر شد.

مگر طبقه متوسط از جان دولت ها چه می خواهند و چرا باید نگران قدرت گرفتن این طبقه بود؟ مطالبات طبقه متوسط در تمام جوامع روشن است. برخورداری از یک زندگی معمولی.اما همین خواسته ای که بنظر ساده می آید در بسیاری از کشور ها به تاخیر و یا کلا فراموش می شود. به دنبال حذف طبقه متوسط و نشنیدن صدای آرام اعتراض ومطالبه گری، خشم جامعه را فرا می گیرد. به راستی چرا طبقه متوسط را مشروع نکردیم و به مطالبات این طبقه، بی اعتناء بودیم تا خشم در جامعه عریان تر گردد.

تقی آزاد برمکی جامعه شناس می گوید"مشکل این است که جمهوری اسلامی تنهایی را ترویج میکند! سر جامعه را به اسم بورژوازی بریدند. جامعه ای که به لحاظ اقتصادی بی سر است، طبقه متوسط شروع میکند سر خودش را تراشیدن. جامعه از لحاظ فرهنگی صاحب ندارد! در بحرانها طبقه متوسط است که باید میانداری کند؛ ولی نیست، مشروعش نکردیم."

از نگاه نویسنده این نوشتار، ریشه بسیاری از اعتراض هایی که به خشونت منجر می شود حذف طبقه متوسط است. حذف طبقه متوسط یعنی حذف اصلاحات.طبقه متوسط مخالف جمهوری نیست و نمی خواهد بر پیکره این مرزوبوم آسیبی وارد شود؛ اما طرفدار سرسخت اصلاحات است. طبیعی است که مطابق قانون اساسی است نرسید و هرگز تجمعات در جامعه به امری عادی بدل نشد. نقطه عطف حضور طبقه متوسط در جنبش های اعتراضی و اصلاح خواهانه در سال ۱۳۷۶ بود. وعده های سیاسی و مدنی داده شد و ای کاش قدر آن زمان را می دانستیم و اصلاحات آرام آرام بخش های زیادی از کشور را فرا می گرفت و امروز به جای خشم و ناامیدی، به یک کشور توسعه یافته نزدیک شده بودیم. فکر کنیم امروز دیگر اعتراض ها تمام شده است؛ اشتباه مهلک تر این که، سیستم حکمرانی در برابر انبوه اعتراض خاموش شده بی تفاوت باشد و



حالا که طبقه متوسط زمین گیر شده و مطالبه گری در بستر آرام شکل نمی گیرد، جنبش‌های اعتراضی نیز رادیکالیزه می شوند. مطالبه طبقه متوسط تغییر رویکرد موجود در دولت ها بود، اما وقتی مورد اعتناء قرار نگرفت خشونت جایگزین آن شد و اعتراضات، بی مهابا کلیت نظام را هدف قرار داد و بخشی اعتراضی جامعه، مطالبه بزرگ تری را در کف خیابان فریاد می زند.

طبقه متوسط می خواهد که مطابق آن چه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده، اصل ۲۷ مورد احترام باشد و آزادی تجمعات یک "تابو" نباشد و این بستر مبنایی برای تضمین حق شهروندی باشد اما هیچ وقت به آرزوی مسلم خود به جای نگرانی در فردایی که هر لحظه ممکن است از راه برسد بگوید " چو فردا شود فکر فردا کنیم."

راهی نداریم جزء این که جامعه را در مسیر مطالبه گری کمک کنیم و انسداد سیاسی را یک آفت بزرگ بدانیم و حرکات اعتراضی زنان و طبقه متوسط برای تغییرات آرام و اصلاح گرانه را به رسمیت بشناسیم.

بگذارید طبقه متوسط و تشکل ها، زبان گویای مردم باشند و از امکان تغییر و اصلاح عمیق در نظام حکم رانی، بیم نداشته باشیم.

اعتراضات کنونی در ایران نشان می دهد که جامعه از شکاف‌ها و گسست‌ها رنج می‌برد و مستعد التهاب و خشم فراگیر است.

مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی:

مجلس حتی نقش یک آرام بخش را در روزهای اخیر بازی نکرد

حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی: انتظار می رفت حداقل نقش مجلس در روزهای اخیر، نقش واسط می بود. مجلس حتی نقش یک آرام بخش را در روزهای اخیر بازی نکرد. به راستی چرا ارگانها و نهادها این چنین کم عمق و هزینه ساز در عرصه سیاسی و اجتماعی رفتار می کنند؟ مجلس و دولت و ائمه جمعه و صاحبان تریبون و ساکنان نهادهای قدرت باید جوابگوی این وضع باشند. از ما گفتن و از آنها نشنیدن/سازندگی

محمودزاده، نماینده مجلس:

۸-۷ میلیون «شغل اینترنتی» را از دست داده‌ایم

یکی از شعارهای انتخاباتی رییسی «اینترنت» بود که به آن عمل نکرد.

پلتفرم‌های داخلی در آن حد نیستند که مشکلات مردم را حل کنند.

محدودیت اینترنت باعث مشکلات بسیاری شده؛ فرد برای یک حواله بانکی باید ۱۰ روز برود و بیاید!

گفتند سالی یک میلیون شغل ایجاد می‌کنیم، بعد از یک سال ۱۰ میلیون شغل از دست دادیم!/ جماران

زیدآبادی:

حوادث اخیر در کشور نتیجه گسست نسلی است



احمد زیدآبادی در یادداشتی در روزنامه اعتماد نوشت: در سفر اخیرم به اصفهان، بسیاری از دوستان گلایه داشتند که چرا نسل ما با نسل جدید، رابطه و تماس لازم را برقرار نکرده است تا فهم متقابلی بین دو طرف شکل گیرد و گسست نسلی و عواقب تکراری آن برای جامعه ایرانی رخ ندهد.

پاسخم این بود که نسل ما دقیقا از چه طریقی می‌توانسته با نسل جدید ارتباط برقرار کند که از این کار شانه خالی کرده است؟ ارتباط بین نسلی یا از طریق حضور در مراکز و نهادهای آموزشی و سیاسی است یا از طریق رسانه‌های فراگیر که هر دو از دسترس نسل پیشین دور مانده است.

در واقع سال‌هاست که درِ مدارس و دانشگاه‌ها به روی فعالانِ منتقد حوزه‌های گوناگون بسته بوده است و حَتی خبرِ حضور احتمالی آن‌ها در یک مراسم دانشجویی نیز با تهدید به بازداشت و تشکیلِ پرونده قضایی روبرو شده است. رسانه‌های فراگیر تصویری نیز یا در سیطره نیروهای آن سوی مرز است که هرگونه مصاحبه فعالان داخلی با آن‌ها عملا ممنوع است یا در اختیار صداوسیما که چهره‌های سیاسی منتقد به آن راه ندارند.

تنها راهِ فعالیت فکری نسلِ پیشین، استفاده از فضای مجازی و کار ابزارهای آن است که در این مورد هم چیزی کم گذاشته نمی‌شود، اما این تلاش راه ارتباطی با نسل جدید باز نمی‌کند چرا که بحث‌های جدی در فضای مجازی، مخاطبِ انبوه به همراه ندارد و این فضا عمدتا در اختیارِ سلبریتی‌های ورزشی و هنری است که علایق روزانه خود را منعکس می‌کنند.

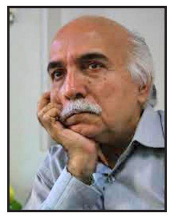
بنابراین جز از راه «تله‌پاتی» با این نسل از چه راه دیگری می‌توان با آن‌ها رابطه برقرار کرد که فعالان نسل پیشین از آن دریغ کرده‌اند؟ در حقیقت آن نوع سیاستی که راه حضور اهل فکر و اندیشه در مدارس و دانشگاه‌ها را مسدود کرد و این افراد را از حضور در رسانه‌های فراگیر نیز محروم کرد، مقصر اصلی گسست نسلی است که عوارض آن هویدا شده است.

ظاهرا برخی از اهل قدرت و سیاست بر این گمان بودند که اگر رابطه و تماس با نسل جدید را به انحصار طیف متبوع خود درآورند، آن‌ها را طبق علایق فکری و سلایق سیاسی خود پرورش می‌دهند. چنین اتفاقی اما نه فقط رخ نداده بلکه نسل جدید با انقطاع و گسست از نیروهای داخلی به سمت و سویی حرکت کرده که از حوزه فهم ما نیز خارج شده است.

حوادث اخیر در کشور تا اندازه بسیاری نتیجه گسست نسلی است. آیا این حوادث تنبّه لازم برای تجدید نظر اساسی در سیاستِ جلوگیری از تماس نسل‌ها را به دنبال خواهد داشت یا این که با تداوم وضع فعلی شرایط به قدری تشدید خواهد شد که نه ما کلا درکی از آن‌ها داشته باشیم و نه آن‌ها از ما.

سیری در وضعیت ادبیات ایران

به کوشش حسین حشمتی



لهجه رسمی ادبی ایران در دوره ساسانی، پهلوی پارسی بود، این لهجه در دربار و ادارات دولتی به عنوان زبان رسمی عمومی کاربُرد داشت. سوابق تاریخی حاکی از آن است که با حمله ی اعراب و شکست دولت ساسانیان به رسمّیت عمومیت زبان پهلوی لطمه ای سخت خورد اما اثر این شکست آن چنان نبود که به یک باره خط و لهجه ی پهلوی نابودگردد بلکه قرائنی در دست است که حدود قرن پنجم هجری ایرانیان به ادبیات این لهجه آشنایی داشته اند، مثلا منظومه ی عاشقانه "ویس ورامین" که در اواسط قرن پنجم به نظم درآمده مستقیما از پهلوی به شعر پارسی ترجمه شده است.

در سه چهار قرن اول هجری بسیاری ازکتب پهلوی در مسایل مختلف همچون طب، منطق، تاریخ، نجوم، ریاضیات، داستانهای ملی، قصص و روایات و... به زبان عربی ترجمه شده است منجمله کلیه و دمنه،آئین نامه، خدای نامه، زیج شهریار و برخی از کتب منطق. صرفنظر از این مقوله ی مهم، درتمام دیوان های حکام عرب در بین النهرین، ایران، ماوراء النهر در قرن اول هجری از لهجه و خط پهلوی استفاده می شد. با همه ی این احوال پیداست که غلبه عرب و به دنبال آن رواج زبان دینی و سیاسی عربی به تدریج از رواج و انتشار لهجه پهلوی کاسته شد تا آن جا که پس از چند قرن متروک گردید و جای خود را به لهجه های دیگر ایرانی داد. خط پهلوی هم بر اثر سختی بسیار و نقص فراوان به سرعت فراموش شد و به جای آن خط عربی مورد استفاده قرارگرفت، به همان نسبت که لهجه پهلوی رسمیت خود را از دست می داد زبان عربی در مراکز سیاسی و دینی نفوذ می یافت و برخی از ایرانیان در فراگرفتن و تدوین قواعد آن کوشش می کردند اما هیچگاه زبان عربی مانند یک زبان عمومی در ایران رایج نبود و به هیچ روی بر لهجه های عمومی و ادب ایرانی شکستی وارد نیاورد و به عبارت دیگر از میان همه ی ملل مطیع عرب تنها ملتی که زبان خود را نگاه داشت و از استقلال ادبی محروم نماند. ملت ایران است، بدیهی است که این نفوذ سیاسی و دینی و همچنین مهاجرت برخی از قبایل عرب به داخله ایران وآمیزش باایرانیان باعث شد که لغاتی از زبان عربی در لهجه های فارسی نفوذ کند این نفوذ تا چندقرن اول هجری به کُندی صورت می گرفت و بیشتر به برخی از اصطلاحات دینی مانند (زکات، حج، قصاص) و اصطلاحات اداری مانند (حاکم، عامل، امیر، قاضی، خراج) منحصر بود و حتی ایرانیان پاره ای از اصطلاحات دینی و اداری عربی را ترجمه کردند و مثلا به جای صلات، معادل فارسی آن "نماز" و به جای صوم "روزه" را به کاربردند و

دراین میان بسیاری از اصطلاحات اداری مانند، (دیوان دبیر، دفتر، وزیر) و علمی مانند(فرجار، هندسه، استوانه زیج) و لغات عادی لهجه های ایرانی به سرعت در زبان عربی نفوذ کرد و تقریباً به همان نسبت که لغات عربی در لهجات ایرانی وارد شد بسیاری از کلمات ایرانی هم در زبان تازیان راه یافت اما خواهی نخواهی باید پذیرفت که نفوذ زبان عربی بعد از قرن چهارم هجری و مخصوصا از قرن ششم و هفتم به بعد در زبان پارسی سرعت و شدت بیشتری یافت و علت این امر یکی بیشتر شدن نفوذ دین اسلام بود بدین نحو که هرچه بر عمر اسلام در ایران گذشت نفوذ آن بیشتر شد و به همان نسبت که قوّت جریان های دینی در ایران فزونی یافت بر درجه ی محبوبیت متعلقات آن که زبان عربی نیز یکی از آنهاست افزوده شد.

دومین سبب نفوذ زبان عربی در زبان فارسی تفنّن اظهار علم و ادب بسیاری از نویسندگان اواخر قرن پنجم به بعد در ایران است.

توضیحات:
مطلب فوق الذکر برگرفته از کتاب تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی - دکتر ذبیح الله صفا
زیر نظر دکتر سیدمحمد ترابی
ناظرفنی چاپ: زهرا یاسینیان
چاپ پنجم تهران-۱۳۹۵
انتشارات فردوس، چاپ منصور

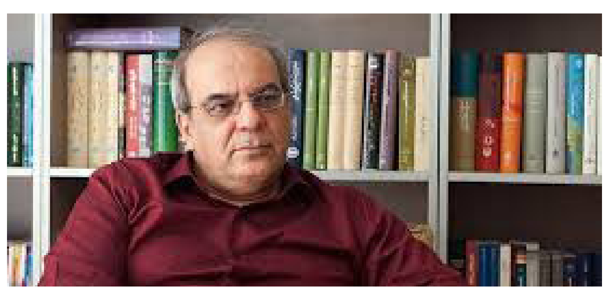
گالیا توانگر



آن سنجاقکی
که از موی نیلوفران مرداب
بال زد،
من بودم
همچون مردگانی که تابش آفتاب
بر چهره‌ی سردشان
آرزو بود
در جشن گورهای دهان گشوده
سنگینی آخرین خواب،
پرواز
پشت پلک‌هایم به حبس افتاد
دلم زنده شدن می‌خواهد!
می‌توانی نور را روی بال‌هایم
پولک بریزی؟
تا در رستاخیز خواب‌هایم
دوباره پرنده، پرنده بیدار شوم؟
می‌توانی در تن سرد و ساکت و خاموش
مرداب
سرود زندگی بخوانی؟
و موج، موج روی موی نیلوفران
رویش گل‌های نامیرایی را
آرزو کنی؟
دلم تو را می‌خواهد
سنجاقکی که در بارش نور
شبیه خودم می‌رقصید!

راه سوم

عباس عبدی



خطاب به هر آن کس که مربوط است

اکنون حدود یک ماه است که ایران درگیر اعتراضات شده است. تاکنون چند بار گفتند مسأله پایان یافت، ولی نیافت. شاید هم روزی دیگر و فقط برای مدتی پایان یابد، ولی احتمالا فقط برای مدتی پایان خواهد یافت و دوباره چون آتشی که زیر خاکستر است با وزش باد یا حتی نسیمی، خاکستر را کنار زده و شعله‌ور خواهد شد. به میزانی که به‌جای گیاهان سبز و بانشاط، شاخه‌های خشک و برگ‌های پژمرده در اطرافش باشند شعله‌های آن بزرگتر و سوزاننده‌تر خواهد شد. متاسفانه تا همین‌جا هم خسارات انسانی زیادی بوده که یکی از آن هم زیاد است چه رسد به ده‌ها و شاید صدها نفر. از سوی دیگر مسأله منحصر به فوت مهسا نیست و از ابتدا هم نبود. آن فقط آخرین قطره‌ای بود که به این مخزن اعتراض و نارضایتی اضافه و موجب سرریز آن شد و الا این مخزن پیشتر در حال پر شدن بود، ولی سرریز نشده بود. ادامه این وضع چه نتیجه‌ای دارد؟ جز افزایش خسارات، استهلاک نیروها و تعمیق بیشتر نفرت و شکاف‌ها؟

چه باید کرد؟ برخی معتقدند که فقط دو راه یا چشم‌انداز در پیش است. اول ایستادگی معترضان و افزایش حمایت از آنان و خشن‌تر شدن اعتراضات. نتیجه این روند روشن است، زمین سوخته؛ فارغ از اینکه در پایان این منازعه کدام‌یک از طرفین، مالک این زمین سوخته شود. راه دوم، پایان اعتراضات از طریق افزایش هزینه بر معترضان یا خسته شدن آنان است. مثل آنچه که در سال‌های ۷۸ و ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ رخ داد.

راه دوم هم در عمل یکی از گام‌های نزدیک شدن به راه اول است. زیرا ماهیت این اعتراضات به‌گونه‌ای نیست که با شیوه‌های انتظامی و زندان حل شود. همه می‌دانند که بزرگترین هزینه‌های نیروی انسانی در درگیری با گروه‌های مسلح ابتدای انقلاب به‌وجود آمد. ولی همان وقت همه می‌دانستند که راه مواجهه با گروه‌های مسلح در نهایت عملیات نظامی بود و به همین طریق هم حل شد. چون آنان حامل مطالبه‌ای عمومی نبودند. می‌خواستند قدرت داشته باشند. پس سرکوب شدند. با سرکوب پرهزینه آنان، غائله نیز خاتمه یافت.

ولی امروز و در اعتراضات جاری کسی دنبال کسب قدرت نیست. عمدتا انسان‌هایی هستند که مطالبه‌ای ملموس و بحق و مورد حمایت اکثریت مردم دارند؛ چه سیاسی، چه فرهنگی یا اقتصادی. باید با آنان حرف زد. مهمتر از حرف زدن، باید عمل کرد. پس آیا می‌توان گفت که تقدیر ما همین است؟ خیر. ساختار سیاسی خیلی اصرار دارد که دیگران را نادیده بینگارد. گویی با ندیدن یا نادیده گرفتن دیگران آنان کوچک یا ناپدید می‌شوند. این رویکرد نادرستی است که در ساختار صداوسیما بازتاب می‌یافت و آن را برای جهت‌دهی افراطی به افکار عمومی در خدمت خود گرفتند. این در عمل، افکار خودی‌هایشان را تحت تاثیر قرار داده و باور می‌کنند که مسأله‌ای نیست. این باور اعتیادآور است و فرد هنگامی از ابعاد ماجرا مطلع می‌شود که دیگر دیر شده است.

من همچنان معتقدم که راهی جز اصلاح‌طلبی نیست. نه به معنای پرچمداری اصلاح‌طلبان، همچنان که طرفداران انقلاب پرچم خود را برداشته‌اند البته نه پرچم انقلابیون قبلی را. باز شدن و پیمودن این راه اکنون مستلزم نشان دادن حدی از عقلانیت در ساختار سیاسی است.

همه شواهد و قرائن گویای آن است که بخش بزرگی از بدنه اصولگرایی نیز خواهان آغاز چنین روندی هستند. چون همه می‌دانند که این سرزمین در موقعیت خطیری است و بدون حمایت و مشارکت همه فرزندان این کشور مساله‌ای حل نخواهد شد. شاید تغییر فرمان اداره کشور ابتدا سخت به نظر آید، ولی به‌طور قطع حرکت به‌سوی آرامش خاطر بعدی آن چنان لذت‌بخش است که این سختی اولیه فراموش خواهد شد. صادقانه باید گفت، این نحوه حکمرانی با هیچ اصولی قابل دفاع نیست. اگر مردم را معیار واقعی می‌دانیم، کافی است به یک نظرخواهی عمومی تن داده شود. حداقل به نتایج یک نظرسنجی معتبر تن دهید که اگر ندهید همه ادعاهایتان خلاف واقع است و عاقبت کار مبهم./ هم میهن

پیشگیری از معلولیت ۳۷هزار کودک

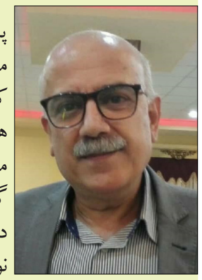
معاون پیشگیری از معلولیت‌های سازمان بهزیستی کشور با اشاره به این‌که از ابتدای اجرای طرح غربالگری بینایی در سال ۷۵ از معلولیت ۳۷هزار کودک پیشگیری شده است، گفت: «تنبلی چشم، عیوب انکساری و اختلالات آناتومی چشم از مهم‌ترین مواردی است که در غربالگری شناسایی می‌شود.» به گزارش ایلنا، افروز صفاری‌فرد درباره غربالگری بینایی گفت: «غربالگری اختلالات بینایی و آمبلیوپی از سال ۱۳۷۵ در سازمان بهزیستی آغاز شد و جزئی از برنامه‌های موفق سازمان است که عملکرد خوبی را به همراه داشته است.»

شاید فرصت از دست برود

مصطفی آب‌روشن، جامعه‌شناس در یادداشتی در خبرآنلاین نوشت: «به هر میزان که بر شدت سرکوب و خشونت‌های پلیس نسبت به معترضان خیابانی افزوده می‌شود، امکان و فرصت هرگونه تجدیدنظر و گفت‌وگوی متقابل میان حاکمیت و مردم به‌شدت کاهش پیدا می‌کند. با نگاهی جامعه‌شناختی به شیوه رفتاری حاکمیت در برهه‌های مختلف، به این الگوی مشخص می‌رسیم که واکنش دولت‌ها به اعتراضات اجتماعی، عموما با نادیده‌انگاری یا برخورد همراه بوده است. بدیهی است ارعاب و حذف فیزیکی مطالبات مردمی، نوعی پاک کردن صورت‌مسئله است.» او ادامه داد: «با دقت در روند تغییرات اجتماعی در تاریخ معاصر ایران به این واقعیت عینی می‌رسیم که خشم فروخفته با گسترش و بسامد بیشتری خود را به حاکمیت تحمیل خواهد کرد، زیرا بحران‌های پنهان و حل نشده، به جنبش‌های اجتماعی فراگیر تبدیل خواهد شد. به‌نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده که حاکمیت دست به آشتی ملی بزنند.»

خاطره ای از سال های دور

هاشم هاشم زاده



پس از برگزاری بسیار موفقیت آمیز "شب های کانون نویسندگان" از هیجدهم لغایت بیست و هفتم مهرماه ۱۳۵۶ در محل انستیتو گوته در تهران، قرار شد دومین برنامه "شبهای کانون نویسندگان" بعدازظهر بیست و چهارم آبان ۱۳۵۶ در سالن تربیت بدنی دانشگاه صنعتی آریامهر با شعر خوانی زنده یاد سعید سلطانپور برپا شود، با این تفاوت که در برنامه ده شبه نخست، تمامی اعضاء کانون حضور داشتند، منتها در دانشگاه صنعتی قرار بود تنها یکی از اعضاء حضور یابد.



ساعت حوالی ۵ بعدازظهر، هم زمان، درب اصلی دانشگاه (که در خیابان آیزنهاور قرار داشت) و درب سالن تربیت بدنی باز و سیل جمعیت حاضر که عموما از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی تشکیل می شدند، به محل برگزاری جلسه سرازیر شدند.



هنوز تمامی جمعیت وارد نشده بود، که شعارهائی بر علیه استبداد و دیکتاتوری حکومت داده شد. در این زمان مامورین گارد دانشگاه بلافاصله درب سالن را بسته و افراد بیرون را با خشم و فریاد از دانشگاه بیرون راندند.

داخل سالن اما، غوغائی برپا بود. سعید سلطانپور بخاطر همدلی با افراد بیرون که به نظر می‌رسید بعضا مورد حمله قرار گرفته و یا بازداشت شده اند، از اجرای برنامه سر باز زد و با تشویق ممتد حاضرین مواجه شد.

با گذشت زمان، بتدریج مشخص شد مامورین گارد دانشگاه که توسط افرادی از پلیس ضد شورش نیز تقویت شده بود، در محوطه بیرون آماده حمله و سرکوب حاضرین در سالن است. لذا کمیته ای از سوی دانشجویان دانشگاه‌ها تشکیل و سخنگوئی (که بعدا معلوم شد شیوا فرهمند راد فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی آریامهر است) جهت اعلام مواضع و قرائت بیانیه ها تعیین گردید.

در نخستین گام، تمامی مواد غذائی موجود در بوفه سالن، جهت تقسیم بین افرادی که ناراحتی دستگاه گوارش داشتند در جایی دور از دسترس قرار داده شد، تا صرفا بین واجدین شرایط توزیع شود.

حوالی نیمه شب، گروه‌های مختلف قومی شامل: کردها، لرها، گیلانی ها (و ...) تشکیل و هر گروه، گوشه ای از سالن را جهت خواندن سرودهای محلی انتخاب نمودند. تا آن جا که بیاد دارم از دانشجویان بوشهری مقیم تهران فقط من در سالن بودم و هر چند دقیقه ای، به یکی از گروه‌ها سر می زدم.

قوی ترین گروه در آن شب، گروه لرها بود که بارها "دایه دایه وقت جنگه" را خواندند و البته از همراهی تمامی حاضرین نیز بهره مند بودند.

در فواصل سرود خوانی دسته جمعی، پیام هائی از طریق بلندگو قرائت و اطلاع رسانی از وضعیت بیرون- تا آن جا که اخباری می رسید- انجام می شد.

آن شب تا صبح، خواب به چشم کسی راه نیافت.

ساعت شش و نیم صبح، موج رادیوئی که نزدیک بلندگو قرار داشت، روی "صدای آمریکا" تنظیم شد ولی هیچ خبری در مورد آن جلسه داده نشد.

ساعت شش و چهل و پنج دقیقه، بخش فارسی رادیو B.B.C. از لندن در خبری کوتاه ماجرا را پخش کرد.

طبق معمول و توافق تمامی حضار، صبحانه نیز تنها به کسانی که ناراحتی معده داشتند، تعلق گرفت.

کسانی که عصر روز گذشته موفق به ورود به سالن نشده بودند باتفاق تعداد زیادی از مردم، شب را در پیاده رو و خیابانهای اطراف دانشگاه بیدار مانده و منتظر کوچکترین فرصتی بودند تا خود را به درون برسانند.

ساعت حدود ۱۰ صبح، آقایان محمود اعتمادزاده (م.ا. به آذین) رئیس وقت کانون نویسندگان همراه با سیاوش کسرائی و یکی دیگر از اعضاء (احتمالا رضا براهنی) به سالن آمدند. اعلام شد مسئولین کانون در حال پیگیری و مذاکره با دکتر علیرضا مهران، نایب التولیه(رئیس) دانشگاه هستند تا ضمن آزادی بازداشتی های روز گذشته، از هرگونه حمله به حاضرین در سالن به هنگام ترک دانشگاه نیز خودداری گردد. با ورود سیاوش کسرائی، حضار یکصدا خواهان قرائت منظومه حماسی "آرش کمانگیر" توسط ایشان شدند. وی اعلام کرد: بدلیل حفظ نبودن آن شعر بسیار طولانی، از حضار عذر می خواهد، منتها یکی از دانشجویان از میان جمعیت کتاب شعر یادشده را بلند کرد و با فریاد، وجود کتاب شعر را اعلام نمود. کتاب دست به دست شد و در پشت تریبون بدست شاعر رسید تا بهانه ای برای نخواندن شعر باقی نماند.

برف می بارد به روی خار و خاراسنگ،
کوه ها خاموش، دره ها دلتنگ...

و این چنین سیاوش کسرائی آغاز به خوانش کرد.

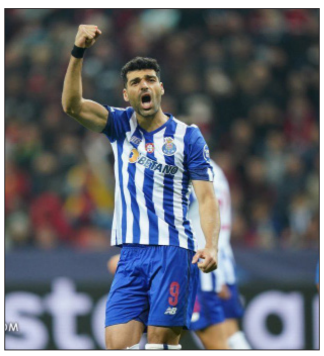
حوالی ظهر، ظاهرا پیگیری های مسئولین کانون و کمیته دانشجوئی نتیجه داد و اعلام شد بزودی ریاست دانشگاه جهت گفتگو با حضار به سالن تربیت بدنی خواهد آمد.

حدود ساعت ۱۳ رئیس دانشگاه با چهره ای که نشان از بی‌خوابی و استرس داشت، در پشت تریبون قرار گرفت و پس از صحبت هائی چند، از دانشجویان و سایر حضار خواست تا با سکوت و آرامش، سالن و دانشگاه را ترک نمایند و به قضیه خاتمه دهند.

عمیق مثل اقیانوس

جمیل رزمی

این روزها عجیب دلم به دنبال بهانه ای است برای نوشتن، نوشته ای که بشود درآن هم خاطرات گذشته را مرور کرد و هم بوی تازگی وطراوت رادرآن احساس کرد. با دیدن تصویر یک دختربچه زیبا با هیبت مارادونای افسانه ای برآن شدم تا دست به قلم شوم و متنی را بنگارم که مدت هاست ذهن مرا به خود مشغول کرده است. این تصویرمتعلق به حریر رزمی ایراندخت سرزمین همسایه خورشید بوشهر است. دختربچه ای از خانواده فوتبالیست رزمی ها و این امید وجود دارد تا زمانی نه چندان دور یک فوتبالیست دختر آن هم از این قطعه از خاک خوب خدا چهره شاخصی دردنیای فوتبال گردد. نمی دانم ازکجا شروع کنم. لختی باخود می اندیشم وگریزی می زنم به عبارت "عمیق مثل اقیانوس" که زیکو کاپیتان مشهور تیم ملی برزیل در مورد دیگوآرماندو مارادونا گفته است.



بی شک برای فوتبال پرفرازونشیب ایران طارمی باید یک جورایی مثل یک اقیانوس عمیق باشد، مادامی که او اندیشه ای عمیق و دریایی داشته باشد می تواند در مستطیل سبز باگل زدن، پاس گل، خلق موقعیت های گلزنی، بازی های زیبا هیجان و شادی را به سکونشیان استادیوم دراگائو هدیه کند و قطعا او این توانایی را دارد که همچون اسطوره های این باشگاه سال ها درخاطرات تماشاگران بی شمار فوتبال پرتغال محبوب باقی بماند. اگر بخواهیم نگاهی از سرکنجکاوی نگاهی به گذشته او داشته باشیم باید بدانیم که طارمی فوتبال خود را مثل همه بچه های جنوب ازکوچه پس کوچه های محلات شروع کرده است. مهدی این شانس را داشت که فوتبال خود را از همان ابتدا زیرنظر پدرش علیشاه طارمی و بصورت اصولی فرا بگیرد.



طارمی پدر، کاپیتان تیم صاحب سبک پاس بوشهر بود تیمی که با ارائه فوتبالی زیبا، شناور و تماشاگرپسند طراوت یک فوتبال مدرن را به نمایش می گذاشت. او در این تیم توانست با نبوغ منحصر بفردش خود را به عنوان یک مدافع باکلاس به فوتبال ایران معرفی کند و با این تیم در دهه شصت بارها قهرمان بلامنازع فوتبال بوشهر شود. تیم پاس تحت هدایت اکبر شمسا مربی جوان و خوش فکر خود با الهام از سبک فوتبال برزیل در دوران تله سانتانا و همای تهران و با پیروی از مکتب اخلاقی زنده یاد پرویز دهداری و پدیده های جوان و تاثیر گذاری چون حسین وردیانی، سعید شیروانی، حسن حیدری، رضا ابراهیمی، مصطفی خاک، امید نسترن بازی های تک ضرب، روان و هجومی را به نمایش می گذاشت و سال ها بعد تحت تاثیر همان تفکر بودکه فوتبال بوشهر نوید ظهور یک فوق ستاره را به فوتبال ایران داد. طارمی جوان در جستجوی رسیدن به رویاهای بزرگ خود تلاشی مضاعف را در دستور کارخودقرارداد. مهدی که با توانایی های ذاتی خود وتحت لوای اندیشه های پدر تربیت شده بود فوتبال خود را



به صورت نیمه حرفه ای از باشگاه ایرانجوان شروع و با بال های شاهین بوشهر به اوج آسمان ایران پرکشید. طارمی توانست خیلی زود شخصیت ورزشی خود را نه تنها به فوتبال ایران بلکه به فوتبال ریشه دار پرتغال اثبات کند. او برای بزرگی در فوتبال امروز دنیا فاکتورهای لازم را دارد و برای رسیدن به این مهم نیاز به آرامشی عمیق و هوایی همچون اقیانوس دارد. این سخن زیبای زیکو مرا برآن داشت تا به دنبال خصلت های دیگر مارادونا از زبان دیگران باشم وآنها را در وجود طارمی جستجو کنم.

اگر بخواهم نوشته ام را بر مدار منطق و نه از سر احساس بنویسم به همان عبارت طارمی پدر، اکتفا می کنم آن جا که گفته:« ای کاش مهدی زودتر به فوتبال اروپا رفته بود». در این جمله به زعم من مخاطبش پسرش مهدی نیست مخاطب او استعدادهای بی شماری هستندکه باید خوب تربیت و سپس به فوتبال اروپا هدایت شوند. درواقع من احساس می کنم مهدی شانس بزرگی که آورد این بود که پدرش همچون دوران فوتبالش حرفه ای فکرمی کند و این همان آس برنده ای است که برای پسرش روکرده است.حضور طارمی درسطح اول فوتبال دنیا به اواین اجازه را داده است که رفته رفته به سبب شرایط سنی دوران پختگی فوتبال خود را سپری کند. خوشبختانه باشگاه پورتو مانند سایر باشگاه های بزرگ اروپا با حمایت های همه جانبه از فوق ستاره خود او را همچون جواهری گرانبها دربرگرفته است و مهدی را با انگیزه به میدان مسابقات گسیل می دارد و این خودمی تواند موتور انگیزشی قوی برای این فوتبالیست ارزشمند باشد. محبوبیتی که مهدی طارمی در این مدت در بندر زیبای پورتو برای خود کسب کرده است را می توان از یک سو مدیون رفتار صادقانه مردم شهرو باشگاه اف سی پورتو و ازسوی دیگر تلاش بی حدوحصر طارمی برای موفقیت های بیشتر این باشگاه دانست. طارمی امروز او این توانایی را دارد که بیاید و مانند فوتبالیست های مشهوری که درزادگاه خود اقدام به تاسیس مدارس فوتبال کرده اند با حمایت باشگاه پورتو یک مدرسه فوتبال و مرکز استعدادیابی برای بچه های بوشهر بنا کند، بچه هایی که عاشقانه دوستش دارند و او را الگوی خود ساخته اند. طارمی با راه اندازی این مرکز فوتبال گام بسیار جدی در توسعه علمی فوتبال نه تنها بوشهر بلکه ایران برخواهد داشت و در آینده از برکت اندیشه ورزی او، مسیری را که فوتبالیست های بزرگ دنیا همچون سادیو مانه، زین الدین زیدان، محمد صلاح و دیگران برای کشورشان طی کرده اند را درکشورمان شاهد باشیم. محبوبیتی که اینک طارمی در زادگاهش دارد به مثابه یک قهرمان است و این حس به تنهایی کافیست تابه او آرامش دهد و او را عمیق تر سازد مثل یک اقیانوس.

رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران در گفتگو با ایسنا:

به مطالبات مردم پاسخ بدهید



سید حسن موسوی چلک؛ رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران از متخصصانی بود که در روزهای اخیر نادیده گرفتن مطالبات مردم از سوی کابینه و تبعات جبران‌ناپذیر این رفتار دولت با شهروندان را مورد هشدار قرار داد.

موسوی چلک در گفتگو با خبرنگار ایسنا، ضمن توصیه به مسوولان درباره ایجاد فضای گفتگو در جامعه و ضرورت شنیدن صدای نسل جدید و پاسخگویی به مطالبات بحق مردم و حذف قوانین و ستادهای ناکارآمد، در بررسی رخدادهای یک ماه اخیر گفت: «باید منتظر چنین اتفاقی می‌بودیم زیرا طی چند سال اخیر مشکلات و فشارهای مختلفی به جامعه وارد شد.

بخشی از این فشارها مشکلات اقتصادی است که بخشی ناشی از تحریم و بخشی نیز ناشی از ضعف مدیریت و بدمدیریتی در کشور است. فوت مهسا امینی عاملی شد که زمان اعتراضات کوتاه‌تر شود و سرعت بیشتری پیدا کند، اما در هر حال شرایطی را در کشور تجربه می کردیم که باید منتظر چنین اتفاقی می‌بودیم. طی یک سال‌ونیم اخیر به عنوان یک شهروند به مراتب هزینه‌های زندگی‌مان بیشتر و درآمدهای‌مان کمتر شده است، خیلی‌ها منتظر بودند با تغییر دولت فرجی حاصل شود که عملا در این ایام شاهد اعتراضات معلمان، بازنشستگان، کارگران و... بودیم، از طرفی دیگر در شرایطی که مردم در فشار اقتصادی هستند، طرح ناموفق گشت ارشاد را اجرا می کنند؛ طرحی که همه می‌دانند ناموفق است و در اولویت نیست.

بعد از فوت مهسا امینی هم، موضع گیری‌هایی انجام و اطلاعات ضد و نقیضی منعکس شد. از سوی دیگر نسبت به این اتفاقات برخی مسوولان و چهره‌های سیاسی نیز واکنش نشان دادند که همان واکنش‌های تند حسن عباسی علیه فوتبالیست‌ها و همسران‌شان کافی است.»

موسوی چلک در ادامه به پایین بودن سرمایه اجتماعی اشاره و خاطرنشان کرد: «چند پژوهش ملی طی سال‌های ۹۴ تا ۱۴۰۰ انجام شده که نشان می‌دهند سرمایه اجتماعی پایین آمده است. بالاخره این موارد و همچنین ناکارآمدی در پاسخگویی به نیازهای افراد دست به دست هم می‌دهند و اگر مردم نتوانند به مطالبات‌شان برسند و اگر این‌بار هم بحران بدون حل مشکل فروکش کند، دفعه بعد این اتفاقات خشونت‌آمیزتر خواهد بود مگر اینکه مسوولان فضای گفتگو ایجاد کنند و صدای نسل جدید را بشنوند و به مطالبات بحق مردم پاسخ دهند و قوانین و ستاد ناکارآمد را حذف کنند، چون آن چه اکنون اتفاق افتاده مطالبات از جنس حقوقی- شهروندی و سبک زندگی است.»

دکتر جلالی ندوشن؛ عضو انجمن روانپزشکی ایران در مصاحبه با ایسنا:

فرجام خوبی در انتظار جامعه‌ای که صدایش شنیده نشود یا امکان شنیده شدن صدایش گرفته شود، نخواهد بود

امیرحسین جلالی ندوشن؛ از اعضای انجمن روانپزشکی ایران از متخصصانی بود که بابت افزایش پیگیری اخبار منفی و خشونت‌آمیز طی چند هفته اخیر و تبعات مواجهه با این اخبار بر سلامت روان شهروندان هشدار داد.

جلالی ندوشن در گفتگو با خبرنگار ایسنا، ضمن این که این رویه را به «تجربه اضطراب عمومی جامعه» و بسیار نگران‌کننده تعبیر کرد تاکید داشت که افزایش پیگیری اخبارِ همراه با داده‌های منفی و صحنه‌های خشونَت‌آمیز می‌تواند نگرانی افراد جامعه را بیشتر کند و این نگرانی افزایش‌یافته نیز منجر به ایجاد اضطراب و مشکلات پیرامون آن نظیر بدخوابی می‌شود.

این روانپزشک در آسیب‌شناسی روانی حوادث اخیر گفت: «در حال حاضر چه بخواهیم و چه نخواهیم زندگی روزمره در کشور دچار اختلالاتی شده است. حتی اگر مطابق با آن چه در آمارهای رسمی مکرر تاکید می‌شود تصور ما بر این باشد که به دنبال اعمال محدودیت‌های دسترسی به اینترنت، حجم اعتراضات و تعداد افرادی که در خیابان‌ها حضور پیدا می‌کنند کم است، اما به‌رغم فیلترینگ، با حجم زیادی از اخبار و اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی و نیز افزایش تماشای اخبار و اطلاعات در برخی شبکه‌های مجازی روبرو هستیم و نمی‌توان این امر را نادیده گرفت که طبق اعلام فعالان حوزه اقتصادی و فناوری اطلاعات، ما در حال تجربه دورانی هستیم که تاثیر منفی بر اقتصاد، کسب وکارهای بزرگ و کوچک دارد.

از این رو می‌توان گفت حجم اعتراضات هرچه باشد، شاهد زندگی تعلیق‌شده هستیم. امروز از سوی مردم، پرسش درباره سرنوشت این شرایط مکررا تکرار می‌شود، وقتی با این پرسش در زندگی شخصی و اجتماعی روبرو می‌شویم طبعا برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و هر نوع کنش رو به جلو افراد معلق می‌شود و همه این موارد طبیعتا بر سلامت روان و جسم افراد جامعه اثر می گذارد.»

جلالی ندوشن افزود: «نحوه پاسخ به یک اعتراض اجتماعی می‌تواند منجر به بهبود سطح سلامت روان مردم یا ایجاد ایرادات و مشکلاتی در سلامت روان عمومی جامعه شود. اصولا در وضعیتی که یک رویداد حاد رخ می‌دهد بیشتر انتظار می‌رود که استرس و اضطراب و نیز مشکلات همزمان با آن نظیر بد خوابی، پرخاشگری و ناتوانی در تمرکز و پیگیری امور روزمره در بین مردم دیده شود یا افزایش داشته باشد.

معمولا در تغییرات شوک‌آور و مواجهه مردم با تنش‌ها، افزایش چنین دامنه‌ای از علایم روانشناختی در بین مردم انتظار می‌رود، به‌طوری که افسردگی یا وسواس پیشین آن‌ها نیز عود (بروز دوباره علایم بیماری) می کند.

در حوادث اخیر، حادثه‌ای، محرکی برای رو آمدن اعتراضات و شکایت‌های کهنه‌تر و مزمن‌تر بوده و شاهد هستیم که در خیابان‌ها و فضاهای مجازی، افراد شروع به اعتراض و شکایت از موضوعاتی می کنند که به نوعی کهنه‌اند و گرچه در گذشته پیرامون آن موضوعات به صورت پراکنده حرف زده شده، اما اکنون به شکل متراکم بروز کرده است.

فرجام خوبی در انتظار جامعه‌ای که صدایش شنیده نشود یا امکان شنیده شدن خوب صدا از آن جامعه گرفته شود نخواهد بود. جامعه باید بتواند به صورت مدنی اعتراض کند. این اعتراض نیز باید به این شکل باشد که خیابان برای اعتراضِ آرام در اختیار مردم باشد. من طرفدار خَشونت نیستم و هر نوع خشونتی را برای حال ایران و ایرانیان مضر می‌دانم، اما وقتی راه‌های هر نوع اعتراض مسالمت‌آمیز را از افرادی که متفاوت از روایت و قرائت رسمی سیستم فکر می کنند، می گیریم، نمی‌توان انتظار داشت خشونت و تندی بروز نکند.»

رییس کمیته پیشگیری از خودکشی انجمن روانپزشکی ایران تاکید کرد: «وقتی به افراد جامعه نه تنها اجازه و حق اعتراض داده نمی‌شود بلکه در استفاده از این حق اعتراض بین افراد مختلف تبعیض نیز گذاشته می‌شود، نهایتا شرایط به سمت ناآرامی‌ها و اختلال‌های جدی پیش می‌رود، مسوولان باید بدانند اگر بخواهند شرایط کشور آرام شود، باید زمینه‌ای را فراهم کنند تا کسانی که در کشور اعتراض دارند احساس کنند صدای‌شان شنیده می‌شود. این امر با وعده امکان‌پذیر نیست و باید برای آن اقدام عملی انجام شود. در این مورد هم گرچه چند قدم کوچک طی دو، سه هفته گذشته برداشته شد، اما در حد حرف باقی ماند و راهی به پیش نبرد.»

نامه انجمن علمی روانپزشکان به وزیر آموزش و پرورش:

با کودکان برخورد قهری نکنید

روزنامه اعتماد نوشت: به دنبال انتشار اخبار متعدد درباره بازداشت دانش‌آموزان معترض و برخوردهای خشونت‌آمیز با دانش‌آموزان انجمن علمی روانپزشکان ایران در نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر آموزش و پرورش، نسبت به تبعات اتخاذ رویه قهری در قبال کودکان هشدار داد.

در متن این نامه سرگشاده که با امضای مجید صادقی؛ رییس انجمن علمی روانپزشکان ایران منتشر شده، خطاب به یوسف نوری؛ وزیر آموزش و پرورش آمده است: «در پی اعتراضات گسترده لایه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه نسل نوخاسته، شیوه برخورد با این اعتراضات، کشور را در بحرانی تمام‌عیار قرار داده است.

در این میان، گروهی از دانش‌آموزان نیز به جریان معترض پیوستند که در این باره از قول جنابعالی در رسانه‌ها چنین منتشر شده است: «دانش‌آموزی در زندان نداریم و مواردی هم اگر بازداشت باشند برای بحث اصلاح و تربیت است که در مرکز روانشناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند... در این شرایط و مرحله ممکن است این دانش‌آموزان به شخصیت‌های ضداجتماعی تبدیل شوند که می‌خواهیم آن‌ها را اصلاح کنیم.» برمبنای این اظهارات موارد زیر نیاز به تاکید دارد:

۱- از وزارت آموزش و پرورش انتظار می‌رود تصور دانش‌آموزان، خانواده‌ها و جامعه از مدرسه را به عنوان مکان امنی برای تحصیل و پرورش استعدادها و خانه دوم مخدوش نکند و از سرمایه اجتماعی اعتماد به نظام آموزشی که در صورت تنزل به سادگی قابل بازگشت نیست، با همه توان حفاظت کند.

۲- از وزارت آموزش و پرورش انتظار می‌رود به «پیمان‌نامه حقوق کودک» که نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به آن متعهد است، پایبند باشد. براساس ماده ۱۹ این پیمان‌نامه کشورهای عضو باید «کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم» را به عمل آورند تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توام با سهل‌انگاری و سوءرفتار حمایت کنند. بازداشت دانش‌آموزان معترض به قصد اصلاح و تربیت، مصداقی از خشونت است که در کنار عدم حمایت مسوولان آموزش و پرورش کشور تبعات بسیار ناگواری دارد:

الف) احساس درازمدت ناامنی در دانش‌آموزان و خانواده‌ها، شکل‌گیری بی‌اعتمادی عمیق به نظام آموزشی و پرورشی و گسست نسل نو با نظام آموزشی کشور.

ب) ابتلای دانش‌آموزان به انواع مشکلات سلامت روان از قبیل اختلالات افسردگی و اضطرابی.

پ) باقی‌ماندن اصل موضوع مورد اعتراض، پوشاندن موقت صورت مساله و بقای خطر بروز بحران‌ها در آینده.

ت) گسترش نارضایتی عمومی و تداوم یا تشدید افت شاخص‌های سلامت روانی- اجتماعی مردم.

۳- از وزارت آموزش و پرورش انتظار می‌رود توجه به کارکرد اصلی این نهاد را که تربیت و اجتماعی کردن نسل آینده به‌گونه‌ای که قادر به ایفای نقشی سازنده در اداره امور جامعه فردا باشد، از یاد نبرد. در کنار آموزش علوم و فنون مورد نیاز جامعه، ضروری است همانند جوامع مدرن، آموزش مهارت‌هایی، چون ابراز وجود، کار گروهی، تفکر نقاد و تفکر خلاق نیز در دستور کار این نهاد قرار گیرد. برخورد سلبی با کنش‌های اجتماعی دانش‌آموزان معترض نتیجه‌ای برخلاف روند توسعه‌گرای فوق به بار می‌آورد. بنابراین از وزارت آموزش و پرورش انتظار می‌رود براساس ماده ۲۹ «پیمان‌نامه حقوق کودک»، کودکان را «برای یک زندگی مسوولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه تفاهم، صلح، مدارا، مساوات بین زن و مرد و دوستی میان همه مردم و گروه‌های قومی، ملی، مذهبی و بومی» آماده کند.

۴- از وزارت آموزش و پرورش انتظار می‌رود از کارشناسان خبره این نهاد برای جمع‌بندی و تفسیر وقایع و پیگیری اقدامات متناسب علمی، اخلاقی و موثر بهره گیرد. مطرح کردن احتمال بروز شخصیت ضداجتماعی در دانش‌آموزان معترض مطابق با شواهد علمی نیست و علاوه بر این، مصداق بارز سوءاستفاده از روانپزشکی در برخورد با معترضان محسوب می‌شود.

انجمن علمی روانپزشکان ایران به عنوان یک انجمن تخصصی امیدوار است شرایطی فراهم شود که نوجوانان بتوانند در مسیر هموار شکوفایی علمی، اجتماعی و روانی، آزادانه دلمشغولی‌ها، مطالبات و اعتراضات خود را اعلام کنند و برای این کار نیازی به قرار گرفتن ناگزیر در موقعیت‌های پرخطر نداشته باشند.

از آن جا که این انجمن خود را موظف به کمک به ارتقا و حفظ سلامت روانی- اجتماعی مردم می‌داند، از جنابعالی تقاضا دارد در پاسخ به نکات مطروحه فوق، توضیحی روشنگر به مردم و جامعه علمی برای تضمین حمایت از دانش‌آموزان و اجرای «پیمان‌نامه حقوق کودک» ارایه کنید.»

رییس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره:

مسائل رفتاری با تنبیه و امر و نهی از بین نمی‌رود

رییس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، یکی از متخصصانی بود که در اثنای اعتراضات مردمی طی روزهای گذشته به رییس دولت نامه نوشت و بر ضرورت توجه به سلامت روان مردم تاکید کرد. محمد حاتمی با بیان اینکه سلامت روان و سلامت جسم دو مقوله اصلی تشکیل‌دهنده رفتار انسان هستند، گفت: «در برخی کشورها از جمله کشور ما سلامت جسم در اولویت است و سلامت روان به نوعی در حاشیه قلمداد می‌شود در حالی که این دو مهم در تعامل باهم هستند، اهمیت هر دو به یک اندازه و حتی شاید بتوان گفت اهمیت سلامت روان بیشتر است.

متاسفانه در برنامه‌ریزی‌های کلان کشوری آنچنان که باید به سلامت روان توجه و بودجه لازم به آن اختصاص داده نمی‌شود و علت تامه بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی و روانی نپرداختن به سلامت روان و مساله پیشگیری از مشکلات روانشناختی است. توجه به سلامت روان باید در سفره زندگی مردم قرار بگیرد. کشوری می‌تواند بهره‌وری و کارآمدی بالا داشته باشد که سطح سلامت روان مردم آن کشور بالا باشد.

در نامه‌ای که به آقای رییسی نوشتم هم پیشنهاد مشخص ما این است که خانواده‌ها باید بتوانند به روانشناس امین خود برای مدیریت رفتار دسترسی داشته باشند. در حال حاضر خانواده‌ها این دسترسی را به روانشناسان و مشاوران ندارند و از این رو مدیریت خانواده‌ها دستخوش فضای مجازی شده است. خانواده‌ها را باید آگاه کرد. مسائل رفتاری با تنبیه و امر و نهی از بین نمی‌رود.»

نامه انجمن علمی روانپزشکان ایران به رییسی:

خشونت راه‌حل نیست

روزنامه اعتماد: طی چند هفته اخیر و به دنبال آغاز اعتراضات مردمی در واکنش به جان باختن ناباورانه مهسا امینی؛ دختر ۲۲ ساله سقزی که پس از دستگیری توسط عوامل گشت ارشاد شهر تهران و انتقال به بازداشتگاه وزرا دچار مرگ مغزی شد و روز ۲۵ شهریور در بیمارستان کسری فوت کرد و در پی شدت گرفتن برخوردهائی با معترضان در شهرهای ایران، کارشناسان حوزه سلامت روان و مددکاری اجتماعی نسبت به تبعات تاثیر جبران‌ناپذیر ناآرامی‌های جامعه و تقابل قهری و خشونت‌آمیز دولت با اعتراضات مردمی بر سلامت روان مردم هشدارهای مکرر دادند.

به گزارش اعتماد، متخصصان در این هشدارها تاکید کردند که این ناآرامی‌ها و تداوم آن‌ها در تمام شهرهای کشور، محصول نادیده گرفتن حقوق شهروندی شهروندان است و اگر کابینه سیزدهم درایت درک ماهیت اعتراضات را داشت متوجه می‌شد که ذات مطالبات انباشته اقشار مختلف، نه برهم زدن امنیت و نظم جامعه بلکه باز پس گرفتن حقوق انسانی از دست رفته‌ای است که کابینه سیزدهم با سماجت می‌خواهد این حقوق انسانی را با منطق صفر و صد و مطابق میل خود تغییر داده و بازتعریف کرده و آن چه خود می‌خواهد و می‌پسندد به مردم تحمیل کند.

به نظر می‌رسد هشدارهای مکرر کارشناسان حوزه سلامت روان و مددکاری اجتماعی هم مثل مطالبات شهروندان که امروز در پنجمین هفته متوالی با بی‌تفاوتی کابینه سیزدهم مواجه شده و صرفا پاسخی از جنس زور و ارعاب و برخوردهای قهری و سلبی و خشن دریافت کرده، با بی‌اعتنایی دولت مواجه خواهد شد.

اولین هشدار، ۴ روز بعد از جان‌باختن مهسا امینی مطرح شد. روز ۲۹ شهریور انجمن علمی روانپزشکان ایران در نامه‌ای سرگشاده به ابراهیم رییسی، درباره تبعات روانی رخداد درگذشت این دختر جوان و تاثیرات آن بر جامعه هشدار داد.

در متن نامه انجمن علمی روانپزشکان ایران خطاب به رییس دولت سیزدهم با طرح هشدارهای پررنگ نسبت به تبعات برهم خوردن سلامت روانی- اجتماعی شهروندان یک جامعه آمده است: «یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده سلامت روانی- اجتماعی جامعه و افراد آن، احساس امنیت است. این احساس به‌ویژه زمانی خدشه‌دار می‌شود که آسیبی از سوی نمایندگان حکومت که علی‌الاصول باید حامی مردم و حافظ امنیت و حقوق آن‌ها باشند پدیدار شود.

در این صورت پیش‌فرض‌های بدیهی و متداولی که آحاد مردم برای ادامه زندگی امن و سالم خود به آن‌ها نیازمندند از میان می‌رود و متاسفانه پس از تغییر نگرش مردم، بازگشت آن بسیار دشوار خواهد بود. در جست‌وجوی علل زمینه‌ساز واقعیت ویرانگر مهاجرت گسترده و رو به افزایش نخبگان از کشور نیز باید به عواملی از این دست نگاهی ویژه داشت.

بازنگری در مفهوم امنیت اجتماعی یکی از ضروریات کنونی در سیاست‌گذاری‌های کشور ماست.» این نامه زمانی به دست رسانه‌ها رسید که هنوز برخوردهای قهری و خشونت‌آمیز با معترضان و اعتراضات خیابانی شدت نیافته بود با این حال اعضای این انجمن در نامه خود با پیش‌بینی رخدادهای آتی هشدار داده بودند که: «بررسی‌های سال‌های گذشته و اخیر نشان‌گر کاهش اعتماد عمومی در سطح جامعه بوده و رویداد اخیر نیز ضربه دیگری بر پیکر نحیف‌شده اعتماد اجتماعی وارد کرده است.

این بی‌اعتمادی اگر تبعات جدی حادی نداشته باشد، در ادامه با کاهش درازمدت مشارکت اجتماعی مردم همراه خواهد بود و برنامه‌های گوناگون دولت که اغلب نیازمند همراهی مردم هستند را عقیم خواهد گذاشت.

اجرای قانون با اعمال خشونت، به تشدید خشونت در جامعه دامن می‌زند و این گستره محدود به موضوعی خاص نخواهد ماند. به بیان دقیق‌تر رفتار خشونت‌آمیز ماموران قانون به عنوان یک کلاس آموزشی عمل می‌کند و باب چنین رفتاری را در عمل برای بسیاری از افراد باز می‌کند.

این اثر به‌خصوص در شرایط کنونی ما که سطح پایه خشونت در جامعه رضایت‌بخش نیست برجسته‌تر می‌شود و از آن مهم‌تر این که اجرای خشونت‌آمیز قانونی که مورد پذیرش و حمایت بخش بزرگی از مردم نیست می‌تواند تبعات غیرقابل‌جبرانی داشته باشد. لازم به ذکر است کارایی روش‌های خشونت‌آمیز برای تغییر سبک زندگی مردم فاقد پشتوانه علمی است.»

از آن جا که جرقه اعتراضات مردمی از روزهای پس از درگذشت مهسا امینی، کارکرد زیانبار گشت ارشاد، رویکرد غیرمنطقی و غیراخلاقی عوامل دولت در مقابله با بدحجابی و تحمیل دستورات یک‌سویه و سلیقه‌ای به جامعه ایران بود، امضاکنندگان این نامه هم تبعات چنین تحمیل‌های سلیقه‌ای را مورد هشدار قرار داده و در ادامه متن نامه چنین اشاره داشتند: «اعمال چنین روش‌هایی تنش و درگیری میان گروه‌های اجتماعی مخالف و موافق حجاب را افزایش داده است که این می‌تواند با دوقطبی‌سازی در جامعه، منجر به از دست رفتن اتحاد ملی و ایجاد تفرقه در میان ایرانیان شود.

یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده سلامت فردی و اجتماعی، ادراک عدالت است. به این معنا که جدا از مفهوم انتزاعی عدالت و عادلانه بودن یا نبودن واقعی قوانین و اجرای آنها، این ادراک عدالت از سوی مردم است که تعیین‌کننده سلامت روانی و اجتماعی آنهاست. پژوهش‌های موجود، سطح سلامت روان مردم را که متاثر از عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاست‌گذاری و مدیریتی است رو به کاهش نشان می‌دهد.

برنامه‌ریزی و مدیریت در عرصه‌های گوناگون از سال‌ها پیش تاکنون چشم‌انداز روشنی برای تغییر این روند نشان نمی‌دهد و اضافه شدن بار اتفاقات فاجعه‌باری، چون مورد اخیر، آینده‌ای نگران‌کننده برای سلامت مردم ایران تصویر می‌کند.

به جز عوارض زیان‌بار اجتماعی، اثرات فردی خشونت را نیز نباید نادیده گرفت. اموری، چون جلب افراد، انتقال اجباری آن‌ها و گرفتن تعهد به خودی خود از نظر روانی فرآیندی آسیب‌رسان است که به ویژه در کنار احساس بی‌عدالتی و بی‌حمایتی می‌تواند اختلالی جدی، ناتوان‌کننده و درازمدت در ذهن و رفتار آن‌ها به یادگار بگذارد.

تجربه سازوکار اجرایی موسوم به گشت ارشاد، شکست این سیاست در توسعه حجاب در کنار عوارضی، چون هتک حرمت زنان و تضعیف سلامت روانی- اجتماعی جامعه و افزایش روزافزون شکاف میان مردم و حاکمیت را آشکارا نشان داده است.

بازنگری در اصل قانون یا دست‌کم روش‌های اجرایی آن حداقل رفتار مدبرانه است. دیگر در چه شرایطی باید پذیرفت که روش‌های اجباری همراه با خشونت برای اجرای قانون، شکست خورده است و نیاز به بازنگری دارد؟»

اجماع علیه فحاشی

سپهر خرمی - خبرنگار گروه فرهنگ هم میهن

روزنامه هم میهن: فدراسیون فوتبال بابت اتهامات حسن عباسی از این چهره تندرو اصولگرا شکایت کرد

فدراسیون فوتبال ایران سرانجام از حسن عباسی، توریسین تندروی اصولگرا به مراجع قضایی شکایت کرد. حسن عباسی که اصولا در سخنرانی‌هایش، بازیگران و فوتبالیست‌ها را خطاب قرار می‌دهد، این‌بار با شکایت ارگانی رسمی روبه‌رو شده و حالا باید پاسخگوی اتهاماتی که به فوتبالیست‌ها زده، باشد. شکایت از حسن عباسی توسط یک ارگان مسبوق به سابقه است. او بارها با صحبت‌های عوام‌گرایانه، جو را ملتهب کرده است. عباسی اولین‌بار سال ۸۲ در برهه حمله آمریکا به عراق، به‌عنوان کارشناس و تحلیلگر مسائل سیاسی و استراتژیک در تلویزیون معرفی شد. وی سوم‌خردادماه ۸۸ مصاحبه‌ای داشت با این مضمون؛ چرا نمی‌خواهند احمدی‌نژاد باشد؟ عباسی در این سخنرانی به‌عنوان مهندس افکار عمومی به هاشمی و روحانی حمله کرد. اگرچه درنهایت با شکایت هاشمی‌رفسنجانی و حسن روحانی بازداشت شد. البته در دادگاه، رفع‌اتهام و تبرئه شد. عباسی مردادماه ۹۵ هم سخنرانی دردسرساز دیگری داشت. او در آن سخنرانی به ارتش حمله کرد: «ارتش بی‌سروصدا فقط در پادگان‌ها حضور دارد و آمریکا چنین نیرویی را می‌خواهد.» او به‌خاطر شکایت ارتش، سه‌روز به‌خاطر عدم تودیع وثیقه در بازداشت بود. در سال۹۷ هم وزارت اطلاعات در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی به دلیل اتهامات حسن عباسی از او شکایت کرد که بعد از قیدوثیقه از بازداشت بیرون آمد.



توهین به فوتبالیست‌ها

پانزدهم تیرماه ۱۴۰۱، حسن عباسی اولین اظهارنظرش علیه فوتبالیست‌ها و خانواده‌های آنها را این طور آغاز کرد که چنین افرادی توسط نظام جمهوری اسلامی، مصونیت دارند و بابت جرمی مثل بدحجابی که این افراد و خانواده‌های‌شان مرتکب می‌شوند، مجازات نمی‌شوند.

عباسی در بخش دیگری از اتهامات سنگینی که به فوتبالیست‌ها زد، باعث شد تا حتی در صداوسیما نیز علیه او موضع بگیرند. او گفته بود در فوتبالیست‌ها، مصلح اجتماعی وجود ندارد و آن‌ها لیاقت شهادت هم ندارند.

اتهامات سنگین حسن عباسی علیه فوتبالیست‌ها به‌حدی عجیب بود که یکی از رسانه‌های اصولگرا در نقد این صحبت‌ها اظهار داشت: «حسن عباسی با چنین حرف‌های نسنجیده و با کینه‌توزی و نهایت خشم غیرقابل‌کنترل، جامعه را دوقطبی می‌کند.»

اکبر رائفی‌پور، دیگر چهره تندرو اصولگرا هم به انتقاد از صحبت‌های عباسی پرداخت و گفت: «چنین رفتاری درست نیست که بگوییم تمام افراد یک جریان یا صنف، فاسد هستند چون اگر بخواهیم با چنین نظریه‌ای پیش برویم از دایره انصاف خارج شده‌ایم چون فوتبالیست‌هایی مثل سیدجلال حسینی و محمد انصاری را داریم که اتفاقا نسبت به شهدا احترام‌ویژه‌ای قائل هستند و اصلا نسبت به این مسائل بی‌تفاوت نیستند.»

جواد خیابانی هم در یکی از برنامه‌های زنده شبکه‌سه در نقد صحبت‌های حسن عباسی گفت: «قطعا شما شناختی از فوتبالیست‌ها ندارید که چنین اتهامات سنگینی را علیه آنها مطرح کردید. اتفاقا ما فوتبالیست‌هایی داشتیم که به مقام والای شهادت رسیدند و فرهنگ‌سازی‌های بسیاری نیز از طریق همین فوتبالیست‌ها رقم خورده است».

شکایت دیرهنگام فدراسیون فوتبال از عباسی

بعد از توهین‌های پیاپی حسن عباسی به فوتبالیست‌ها سرانجام فدراسیون فوتبال تصمیم گرفت از توریسین تندرو اصولگراها شکایت کند. امیر علوی، مدیر روابط عمومی فدراسیون فوتبال در گفت‌وگو با «هم‌میهن» درخصوص این شکایت گفت: «باتوجه به اعتراض و البته درخواست بسیاری از فوتبالیست‌ها نسبت به این قضیه تصمیم گرفتیم تا از حسن عباسی به مراجع قضایی شکایت کنیم تا بابت اتهاماتی که او به جامعه فوتبال وارد کرده، شفاف‌سازی شود. در هر صورت این برای چندمین‌بار است که حسن عباسی به فوتبالیست‌ها اتهامات بی‌پایه و اساسی را وارد می‌کند و ما باید به‌عنوان یک ارگان رسمی که حامی فوتبالیست‌هاست، شکایتی را تنظیم کنیم تا جلوی چنین رفتارهایی در آینده گرفته شود».

گفتنی است احسان اصولی، سخنگوی فدراسیون فوتبال که نقش‌اساسی در اتفاقات مشهد در بازی ایران و لبنان داشت طبق معمول همیشه پاسخگوی سوال خبرنگاران نبود و در این زمینه سعی کرد به شکلی منفعلانه به هیچ سوالی پاسخ ندهد.

عباسی جامعه را دوقطبی می‌کند

بهنام ابوالقاسم‌پور، بازیکن سابق تیم ملی ایران و باشگاه پرسپولیس در گفت‌وگو با «هم‌میهن» درخصوص اتهامات زشت حسن عباسی به فوتبالیست‌ها گفت: «حسن عباسی چنان اتهامات زشت و زننده‌ای به فوتبالیست‌ها زد که باعث شد بعضی فوتبالیست‌ها که نسبت به برخی اتفاقات اصلا واکنشی نشان نمی‌دادند هم در مورد برخی موضوعات صحبت کنند. به‌نظر من کسانی چون حسن عباسی کمبود دیده شدن دارند که درمورد فوتبالیست‌ها اتهامات سنگین و بی‌اساسی را مطرح می‌کنند. من مطمئن هستم اگر یکی از اعضای خانواده او ورزشکار بود، اصلا چنین صحبت‌های سخیفی را در رسانه‌ها نمی‌کرد.» پیشکسوت تیم فوتبال پاس تهران هم درمورد شکایت فدراسیون فوتبال از حسن عباسی معتقد است، قطعا با پیگیری‌های قضایی علیه حسن عباسی، این اتهامات متوقف خواهد شد: «مراجع قضایی باید سبقه او را بررسی کند که اصلا از کجا آمده که بارها بدون سند، حرف‌هایی را می‌زند که جامعه را دچار دوقطبی‌سازی کرده و بی‌دلیل هزینه‌تراشی می‌کند. شک نداشته باشید با پیگیری‌هایی که انجام می‌شود حسن عباسی دیگر درمورد فوتبالیست‌ها صحبت نخواهد کرد. باید به این نکته هم اشاره کنم که ما فوتبالیست شهید مثل رضایی‌مجد داشتیم که الگوی همه ماست و بهتر است حسن عباسی دیگر بدون سند صحبتی مطرح نکند.»

با توجه به بی‌ثباتی فعلی شرایط فدراسیون فوتبال و البته انتخاباتی که افراد مسئول درگیر آن بودند، شکایت از حسن عباسی کمی دیر اتفاق افتاد. اما در راستای ایجاد همدلی بین فوتبالیست‌ها درنهایت این شکایت تسلیم مراجع قضایی شد و باید دید این‌بار چه برخوردی با حسن عباسی می‌شود که بارها اتهامات و توهین‌های سنگینی را علیه فوتبالیست‌ها مطرح کرده است.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



تخمین خسارت قطع اینترنت تاکنون: ۱۲ هزار میلیارد تومان!

حمیده حبیبی، عضو انجمن کسب و کارهای اینترنتی: آماری که اخیرا راه پرداخت منتشر کرد، این است که کمتر از یک ماه، حدود ۴۰ درصد تسهیلاتی که به دانش‌بنیان‌ها در طی ۶ ماه دادند، برابر با خسارت به اقتصاد کشور است. میزان تسهیلات حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان بوده است. این یک مقایسه است. یعنی ما تسهیلات دادیم برای گسترش یک‌سری شرکت که نصف خسارت کل در یک ماه برابر با تسهیلات طی ۶ ماه است. قبل از این هم نت‌بلاکس اعلام کرده هر ساعت یک و نیم میلیون دلار خسارت به اقتصاد وارد می‌شود. حالا این ۲۵ روز گذشته را حساب کنید، می‌شود ۱۲ هزار میلیارد تومان./ خبرآنلاین

ناامیدی زنان در بازار کار/ نیمی از بانوان بیکار، غیرفعال شدند

از تابستان سال گذشته تا تابستان سال جاری حدود ۵۰درصد از زنان بیکار به غیرفعال تبدیل شده‌اند. این جریان می‌تواند بیانگر آن باشد که تعداد قابل‌توجهی از زنانی که در جست‌وجوی شغل بوده‌اند، از یافتن شغل موردنظر خود ناامید شده و از تلاش برای شاغل شدن دست کشیده‌اند. انتقال ۴/ ۴۹درصدی مردان بیکار به وضعیت شاغل در بازه زمانی مذکور، بیان‌کننده وجود شکاف قابل‌توجه شغلی میان مردان و زنان و همچنین فراهم نبودن بستر مناسب برای اشتغال زنان است./ دنیای اقتصاد.

فلاحت پیشه: روسیه بسیار خوشحال است ایران را به شریک جنگ با اوکراین و شریک تحریم تبدیل کرد

حشمت الله فلاحت پیشه، نماینده پیشین مجلس: روسیه از همان ابتدا عنوان کرده بود که ما محموله‌های پهپادی را از ایران خریداری کرده‌ایم و آن را در جنگ اوکراین به کار بسته‌ایم.
حتی روس‌ها پا را فراتر گذاشتند و از نظر کیفی قدرت پهپادهای ایرانی را زیر سؤال بردند و عنوان داشتند که پهپادهای ایرانی کیفیت لازم و کارایی مدنظر روسیه را در جنگ ندارد. یعنی در همین مسئله هم روسیه برخورد نامناسبی با ایران داشت. اکنون هم با اقدام اروپایی‌ها در تحریم ایران، بیش از همه این روسیه است که بسیار خوشحال است، چرا که مسکو با اقداماتش توانست در جنگ اوکراین یک شریک و از دوشنبه هم یک شریک تحریم برای خود بتراشد و کشور دیگری را در کنار خود در لیست تحریم‌های مربوط به جنگ اوکراین اضافه کند./شرق

اتحادیه اروپا: شواهد کافی برای تحریم ایران به‌دلیل ارسال پهپاد به روسیه داریم

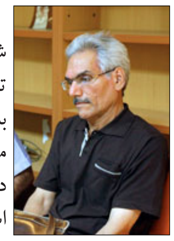
رسانه‌ها به نقل از اتحادیه اروپا گزارش داده‌اند بروکسل ادله کافی برای تحریم ایران به خاطر آن چه ارسال پهپاد به روسیه خوانده شده را در اختیار دارد./فارس

امید به خانه‌دار شدن برای طبقه متوسط به ۷۴ سال رسید

دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با اشاره به این که تا ۱۰ سال گذشته امید به خانه‌دار شدن برای مردم ۲۵ ساله بوده ولی امروز این رقم برای طبقه متوسط کشور به ۷۴ سال رسیده است گفت: مشکل مسکن در کشور ما فراتر از آن است که آن را محدود در کمبود عرضه بدانیم/شرق

ابوالقاسم ایرانی؛ و دریایی های شاعر بوشهری

ابراهیم مهدی زاده



سالهای آغازین دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی، سالهای شعر و قصه و تئاتر و موسیقی و رشد ورزش و به ویژه فوتبال و آمدن تیم های مرکز و شروع مسابقات باشگاهی در بوشهر بود. شناخت و شکوفایی استعدادهای جوان، بازگشت بوشهر به جمع بنادر کشور و لنگر اندازی کشتی ها با ظرفیت بالا برای صادرات - واردات صنایع و تولیدات داخلی، باعث رونق اقتصادی بوشهر شد. ناگفته نماند که این رونق با مخالفت های جدی هم روبرو بود. اما بازرگانان بوشهری با جمع آوری امضاء همراه با نمایندگان مجلس وقت بوشهر، با پایمردی و اصرار به ایجاد اسکله و تشکیل سازمان بنادر همت گماشتند.



در عرصه فرهنگی و هنری حضور پر رنگ و قوی منوچهر آتشی، محمد رضا نعمتی زاده، شیرزاد محمد آقائی، علی باباچاهی، مهدی رستگار، محمد آذری، پرویز پروین، دکترحمیدی، محمد بیابانی، قاسم ایرانی، اسکندراحمدنیا، باقی دشتی نژاد، سینا... و آمدن گه گاه صادق چوبک برای سرکشی به خانه پدری و دیدار با پسر عموها در محله دهدشتی، سرکشی رسول پرویزی به حوزه انتخابیه وخانه اش در محله ی کوتی و دیدار از دبیرستان های بوشهر و برازجان ... نشریات محلی از قبیل «تکاپو» به مدیر مسئولی استاد بابا چاهی، «آژیر صنعت»، «گسار»، «فلاخن»، سالن کوچک تئاتر دبیرستان قدیمی سعادت ، تا افتتاح سالن و کتابخانه فرهنگ به مدیریت استاد نعمتی زاده، آزمایشگاه شیمی، شعر خوانی در دبیرستان داریوش کبیر، انعکاس مجله فردوسی، سپید و سیاه، روشنفکر، تهران مصور، شب های خوشه، فصل های سبز طاهباز، جنگ اصفهان، آرش اسلام کاظمه در تهران، مرگ فروغ، تختی، صمد، جلال آل احمد... تا مراجعه تبعیدیان جزیره خارک و دژ برازجان به بهداری ساحلی و خبر دیدار بعضی از معلمان با آنها و قصه خوانی استاد برازجانی از چوبک و هدایت و رسول پرویزی و شعرخوانی توللی نقاش، شاهنامه خوانی استاد نعمتی زاده، مسافرت دکتر ساعدی، ناصر تقوائی... و مردان موسیقی: ریاحی، هاتفی، ستوده، نجف زاده، نورانی و جوانترها اکبر هنرور، حمید تاجدینی، ابراهیم پیشاهنگ ... اهالی تئاتر ایرج صغیری، منوچهر بهروزیان، صیادی، شایسته، برادران عباسی، رمضان امیری، حسین دهقانی، رضا نیکخواه، اکبر فرجی، سوسن فرخ نیا، منیرروانی پور، فریدون راد، احمد آرام... و اجرا تئاترهای «پهلوان اکبر می میرد» بیضائی ، نمایش «سقوط» به نویسندگی و کارگردانی احمد آرام، اردوی رامسر و کلاس های آموزشی دکتر مصطفی اسکوئی... شروع سینمای سوپر هشت پرویز زاهدی، ناصر وژدان، همه و همه را یک نفر، یک خانواده، ما را ، سیکل اولی ها را ، به دنیای زیبا و پر هیاهوی بازی بزرگان پیوند می داد و آن هم خانواده ی ایرانی بود و در راس آن قاسم ایرانی و حلقه واسط این پیوند محمد رضا و طاهر ایرانی-اسکندر احمدنیا شاعر بود که کتاب خانه کوچک قاسم ایرانی شاعر را به روی مشتاقان جوان می گشود.
ابوالقاسم ایرانی دانشجوی یکی از دانشگاه های تهران بود و حشر و نشر با بزرگان تهرانی داشت و در حلقه مجله فردوسی و به قول معروف، به روز بود. شرح این حلقه را محمود استاد محمد و محمد حاجی زاده در جائی نوشته اند. در حقیقت رابط فرهنگی بوشهر با مرکز بود. اخبار نشر کتاب های «یاداشت های شهر شلوغ» تنکابنی، «ای با کلاه ای بی کلاه» ساعدی، «از پشت شیشه های» اکبر رادی، «ماهی سیاه کوچولوی» صمد بهرنگی و مجموعه داستان کوتاه ارزشمند «بازآفرینی واقعیت» به همت محمدعلی سپانلو که تاثیر زیادی در فضای داستانی گذاشت. در حقیقت تکمیل «دیدار با اهل قلم» دکتر غلامحسین یوسفی استاد دانشگاه فردوسی بود، در معرفی و اهمیت ادبیات داستانی را از سطح به عالی رساند. این خبرها را توسط او به بوشهر می آورد. دعواهای قلمی در مجله فروسی و نقدهای تند و کار ساز آل احمد و بعدتر دکتر براهنی، اسماعیل نوری علا تا تازه های انتشارات روزن مثل «عروسی خون»، «یرما»ی فدریکو گارسیا لورکا که توسط کتاب فروشی مهرداد می رسید و با پرداخت هفتگی خریداری می شد. پر بی راه نرفته ایم اگر بگوئیم که خانواده ایرانی یکی از موثرترین جریان ساز نشست های شعر و ادبیات در ۱۰ ساله زیبا و پر بار فرهنگ و هنر دهه ۴۰ - ۵۰ بوشهر بود.
آن گاه که آتشی به تهران کوچید و «آرامش در حضور دیگران» یافت، قاسم ایرانی در بحرین سنگر گرفت و در هر سفر که به بوشهر می آمد شوری بپا می کرد و می رفت. سال ۴۹ تئاتر «آنجا که ماهی ها سنگ می شوند» نوشته خسرو حکیم رابط به مدت ۷ شب روی صحنه داشتیم که ناگهان ایرانی بازگشته به وطن در اجرای آخر با استاد نعمتی زاده در پشت صحنه دیدیم که خود داستانی مفصل دارد که می گذریم.
درشب های شعرخوانی دبیرستان سعادت و داریوش کبیر گوش می سپردیم به جدال های شفاهی قاسم ایرانی و استاد نعمتی زاده و دیگران. فرق بین شاعران محافظه کار مثل نادر پور و توللی و مشیری با فروغ، شاملو، اخوان، رویائی و هوشنگ چالنگی و بیژن الهی یا مباحث نقد نظری در مورد هوشنگ ایرانی در بحث آنها در کوچه های منتهی به منزل استاد نعمتی زاده تا کوی بهبهانی «طاق طاهری» و پوزه «باسیدون» و کرند جنوب مدرسه گلستان تا ساعت ها ادامه داشت. ادامه این مباحث به کلاس های درس استاد برازجانی کشیده و شاخ و برگ می گرفت و از کلاس شیرزاد محمد آقائی به کلاس نعمتی زاده و گاهی در کلاس های دروس اختصاصی نیز مطرح ومورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می گرفت.
حاصل این دهه که هرگز تکرار نشد، آن بود که به نقل از جناب استاد باباچاهی، گویا شاملو، بوشهر را «ستاد کوشندگان شعر امروز ایران» نامید. آن هم در مقابل تهرانی که تمام امکانات کشوری در خود جای داده بود و راههای ارتباطی بوشهر تا شیراز آن زمان حدود ۸ الی ۱۰ ساعت کوه و کتل بود و پر خطر. پرداختن به کارنامه شعری قاسم ایرانی فرصت و مجال دیگر می طلبد.

بهسازی بافت قدیم بوشهر باعث احیای بناهای تاریخی و رونق گردشگری شده است



معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: بهسازی معابر بافت تاریخی بندر بوشهر و احیای آنها موجب ترغیب مالکان خصوصی برای مشارکت در مرمت و بهسازی بناهای تاریخی این بافت شده و رونق گردشگری در پی داشته است.
نصرالله ابراهیمی در گفت‌وگو با ایرنا بیان کرد: قرار است بناهای در مالکیت بخش خصوصی پس از مرمت و بهسازی تبدیل به واحدها گردشگری مانند اقامتگاه‌های بوم‌گردی و مراکز پذیرایی شود که این امر افزایش سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی، ایجاد کسب و کار و اشتغال و سرمایه گذاری را به دنبال دارد و در نهایت موجب رشد و توسعه گردشگری پایدار در بندر بوشهر می‌شود.
وی با بیان این که بافت تاریخی بوشهر با ۳۸ هکتار مساحت بیش از ۴۰۰ بنای با ارزش تاریخی را در خود جای داده است، اعلام کرد: در زمان حاضر پروژه محور تاریخی فرهنگی در محله کوتی و شنبدی در دست اجرا است که در قالب آن بهسازی معابر و ساماندهی و استحکام بخشی بناهای با ارزش تاریخی در این محور انجام می‌شود.
معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر ادامه داد: اجرای این پروژه بیش از ۲۰ هزار متر مربع در بر گرفته است اما رو به توسعه است و در صورت تامین اعتبار در سال جاری، بهسازی چهار محله بافت تاریخی بوشهر شامل محله‌های بهبهانی، دهدشتی، شبندی و کوتی نیز کلید می‌خورد.
ابراهیمی گفت: فاز نخست بهسازی گذر مسجد شیخ سعدون تا درمانگاه فدک که به عنوان محور گردشگری تعریف شده است تا پایان مهر ماه به انجام می‌رسد و فاز دوم آن را در سال جاری اجرا خواهد شد.
وی با بیان اینکه بهسازی فاز نخست این محور با حدود ۱۰ میلیارد تومان اجرا شده است گفت: این محور ارزشمند، پرتردد و گردشگری است.
معاون اداره کل میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر یادآور شد: مسجد جمعه در محله شنبدی از مساجد قدیمی و فاخر از نظر معماری است که احیا و در در هفته دولت امسال افتتاح شد و مسجد آل عصفور از دیگر بناهای تاریخی احیا شده بود که قرار است به عنوان یک مرکز فرهنگی مورد استفاده عموم قرار گیرد.